

میکنیم از آقای نایب رئیس که بر رئیس کمیسیون داخله  
اخطار کنند که زودتر این قانون بیاید بمجلس و  
تصویب شود که يك سدی بشود بجهت محترکین بی  
انصاف این مملکت بلکه در سه خرمین فقراء گندم  
خرواری بیست تومان نخرند حالا که گندم خرواری  
هیجده تومان و بیست تومان فروش میرود در آخر  
سال بحال فقراء بلکه اغنیاء چه خواهد گذشت چون  
این قانون هم بحال اغنیاء مفید است هم بحال فقراء  
و کسانی که برضد این هستند اشتباه کرده اند بنده  
خواهش میکنم چون در دستور هم فرمودند چیزی  
نیست هیچ چیز بهتر از قانون منع احتکار بجهت  
صلاح اهل مملکت برای دستور نیست و کسانی که  
برضد این هستند اشتباه دارند این قانون هم برای  
فقراء خوب است هم برای اغنیاء امیدوارم آقای  
نایب رئیس هم امشب اخطار بر رئیس کمیسیون داخله  
بکنند که زودتر این قانون بمجلس بیاید

**نایب رئیس** - در این باب خواهش می  
شود که رئیس کمیسیون داخله زودتر راپورت به  
مجلس بدهند جلسه آتی فردا شب است و دستور هم  
همان لوله کشی کمیانی بوئل است.  
(مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد)

### جلسه ۲۹۴

#### صورت مشروح شب دوشنبه ۱۷ شهر

#### رمضان المبارک ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته در تحت  
ریاست آقای موتمن الملك افتتاح گردید صورت مجلس  
شب یکشنبه ۱۶ قرائت گردید .

غائبین جلسه قبل - دهخدا - آقا سید محمد باقر  
ادیب بدون اجازه حاج امام جمعه - بهجت - آقا میرزا  
ابراهیم خان - آقا سید محمد رضا مساوات - دکتر  
امیر خان - آقا میرزا احمدخان با اجازه حاج سید  
نصرالله - تربیت آقا میرزا رضا خان مستوفی - هر  
يك ۴ دقیقه دکتر اسمعیل خان ۵ دقیقه لسان -  
الحکماء - آقا میرزا محمد نجات - نیرالسلطان -  
وکیل الرعایا هر يك ۳۵ دقیقه متین السلطنه - طباطبائی  
حاج مصدق الممالک هر يك نیم ساعت از حضور در  
وقت مقرر تاخیر نمودند

**دکتر علیخان** - آنچه راجع بترجم نظام  
نوشته شده است که بنده عرض کرده ام مطابق  
واقع نیست بنده عرض کردم که آنچه در خصوص  
شاکردهائی که باید بارویا بروند در کمیسیون قرار  
شده بود این بود که استثنائی نشود و بعد شنیده شد  
که مورد استثنایه کرده است اگر اینطور است و آقایان  
حرفی ندارند و آن استثنای را تصویب می کنند خوب است در  
حق مترجم نظام هم این استثناء بشود و او هم برود ولی بنده  
خودم تصدیق نداشتم که استثنائی بشود .

**رئیس** - همینطور اصلاح می شود دیگر  
مخالفی نیست؟

**حاج سید ابراهیم** - دیشب آقای وزیر  
نفرمودند در باب امتیاز لوله کشی ( اجازه نامه )  
فرمودند و اینکه اینجا لفظ امتیاز نوشته شده است  
صحیح نیست .

**رئیس** - صورت مجلس تصویب شد پیشنهادی

شده است از طرف وزارت خارجه راجع بلوله کشی  
از انزلی برشت هم بکمیسیون خارجه و هم بکمیسیون  
فوائد عامه رفته است و راپورتی داده شده است که  
طبع و توزیع شده ولی چون راپورتی که از کمیسیون  
فوائد عامه داده شده است ماده بندیش بطور صحیح  
نشده آقای متین السلطنه که مخبر کمیسیون خارجه  
هستند آن لایحه را ماده بندیش صحیح کرده اند آقای  
وزیر امور خارجه هم گویا آنرا قبول کرده اند حالا  
هر دو این راپورتها قرائت میشود و بعد هر طور صلاح  
میدانند رأی گرفته میشود .

**وزیر امور خارجه** - این مسئله بملاحظه  
اینکه اهمیت دارد بنده تقاضا میکنم فوریت او را که در  
همین جلسه بفوریت بگذرد .

**رئیس** - پس باید بفوریت آن رأی بگیریم  
در اینباب مخالفی هست؟

**سایمان میرزا** - بنده مخالف هستم با فوریت  
این برای اینکه بعبارت اخری در يك چیزی میشود  
بفوریت رأی داد که ممکن باشد بفوریت بگذرد  
ولی این يك مطلبی است اقتصادی و منافع تجار  
داخله باید در آن ملاحظه بشود و باید خیلی بدقت  
غوررسی شود که بزودی منافع آنها از دست نرود  
و با يك شور آنهم در صورتی که لایحه امروز به  
بعضیها رسید و بعضی دیگر دیشب وقت سحر رسیده  
است و بعضی هم هنوز نرسیده است گمان نمیکنم که  
بتوانیم بطور دقت مطالعات خودمان را بکنیم و در  
آن رأی بدهیم پس خوب است آقای وزیر امور خارجه  
قبول کنند که دوشور در این لایحه بشود تا اینکه  
بطور غوررسی و دقت تمام رأی بدهیم که  
بخوبی بگذرد .

**وزیر امور خارجه** - بنده بطوریکه عرض  
کردم بواسطه اهمیت فوق العاده فوریت این لایحه را  
تقاضا میکنم .

**رئیس** - پس رأی میگیریم در فوریت این  
لایحه آقایانیکه تصویب میکنند فوریت این لایحه را  
قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با کثرت ( ۳۵ ) رأی از ۶۵ نفر  
نمایندگان حاضر تصویب شده . حالا رأی می گیریم که  
امشب در اینخصوص مذاکره بکنیم یا خیر (اظهار شد  
که جزو دستور است) .

**رئیس** - خیلی خوب پس شروع میکنیم به  
مذاکرات مذاکره در کلیات است در کلیات این  
مخالفی هست ؟

**حاج شیخعلی** - بدیهی است که ترقی هر ملت  
بسته بتجارت و ازدیاد ثروت آن مملکت است و  
بهمین نظر است که بنده گوش خودم را باز کردم که  
هر پیشنهادی بشود گوش بدهم از هر کس میخواهد  
باشد ولو اینکه آن پیشنهاد از دولت یا کمیانی یا  
از هر يك از افراد باشد آن وقت اگر منافع  
مملکت و نفع ملت را در آن لایحه دیدم  
که البته با کمال میل تصدیق خواهم کرد و اگر  
منافع آنرا ندیدم بلکه ضرر او را دیدم با کمال  
استقامت رد خواهم کرد و آنچه بنده در این لایحه  
نظر کردم هیچ منفعتی در این لایحه ندیدم بواسطه  
اینکه اجازه داده میشود که لوله کشیده شود در ظرف  
مدت ( ۱۵ ) سال يك کمیانی آن وقت در ازاء این

چه بدولت خواهد داد هیچ و بعد از ( ۱۵ ) سال چه  
خواهد شد جمع اسباب خود را جمع خواهد کرد و  
خواهد برد پس از این راهم نفعی برای دولت نیست  
و هیچ فائده بجهت ما نخواهد داشت پس امتیازی که  
يك ضرر اقتصادی و تجارتي برای دولت داشته باشد و نفعی  
هم بحال دولت نداشته باشد بنده متحیرم که چگونه  
میشود تصدیق کرد اما ضرر اقتصادی این است که  
آن وجهی را که باید بکرایه در این مملکت بدهند بجهت  
همین طول دوندگی لوله کشیدن نمیدهند و همین خودش  
ضرری خواهد بود برای مملکت اما ضرر تجارتي  
آنچه بنده نظر کردم در این لایحه تقریباً طوری  
خواهد شد که دیگر تجار داخله نتوانند حمل نفت  
کنند و منحصر خواهد شد حمل کردن نفت آنها  
بهمین لوله البته بدیهی است يك کمیانی که نفت از  
خودش باشد و مری هم که نفت از او میآید از خودش  
باشد اگر تجار داخلی بخواهند نفت را از همان  
مرجریان بدهند البته نفع او از همان کمیانی خواهد  
بود ولو اینکه انحصار ندارد ولی بالمال يك انحصار  
تجارتی باو خواهد شد مگر اینکه اقدامی بشود که  
يك لوله دیگر در مقابل او کشید، شود و او را هم  
گمان ندارم که اقدام شود پس باین نظر که نفعی  
ندارد برای تجار داخله و بآن نظر ضرر اقتصادی  
بنده نمیتوانم این لایحه را تصویب بکنم بله اگر يك  
من یققران بدولت میدادند یا نفعی برای دولت منظور  
میشد میگویم چه ضرر دارد اما در صورتیکه هیچ نفعی  
برای دولت ندارد و ضرر تجارتي هم برای ما دارد  
چگونه میشود این لایحه را تصویب کرد بنده خواهش مند  
از آقای وزیر امور خارجه که بفرمایند نفعی که در  
این لایحه برای دولت منظور کرده اند چه بوده است  
والا قبل از آنکه نظر بنفع و ضرر او بشود بنده  
همراه نیستم و تصویب نمیکنم .

**حاج وکیل الرعایا** - تجارت در جائی دارد  
موضوع این لایحه بنفع است آن هم در ایران اینهم  
در يك قسمت شمالی عجاتاً کم کم میرویم وارد  
موضوع میشود يك قسمت تجارت نفت راجع بدکاندار  
هست که از دکان دار میخرند و بدوره میفروشند  
بآنها هیچ ضرر وارد نمیشود يك قسمت هم این است  
که از کلروان سرا میخرند برای آنها هم ضرری ندارد  
يكی از قزوین میآورند آن هم که ضرری ندارد اگر  
حالا بخواهیم در جاتش را بالا ببریم اسباب تفضیح  
اوقات آقایان میشود ضرری را که ما اینجا ثابت میکنیم  
راجع میشود بهمین دوفرسخ راه که کرده حمل میشود  
و حالا میخواهند بالوله وارد بکنند به بیسیم از این  
دوفرسخ راه منفعتش برای مملکت با این لوله چیست  
واز اینجا يك ضرری که باهالی مملکت میرسد آنچه چیز  
است وقتیکه این نفت ارزان تر تمام شد برای يك  
تاجر نه این است که تمام منفعت را خودش ببرد بجهت  
اینکه تاجر باید زحمت بکشد بزرگ کردن کار  
نه اینکه سعی کند برای بزرگ کردن نفع  
اینطور نیست منفعت هر چه کوچک هم باشد باز که  
روی هم جمع بشود میشود یققران ولی يك قران  
اگر دو پنجشاهی بگیرند میشود دهشاهی و همانجا  
خشک میشود مقصود از این تجارت بزرگ کردن  
تجارت است و بنده گمان میکنم برای این مملکت  
ما باید در های تجارت دنیا تمام باز شود و در اینجا

هم ربطی بامتیاز ندارد برای این که این امتیاز نیست اجازه است هر کس میتواند اینطور اجازه بگیرد مانع-الفیر نیست و تا وقتی که این مملکت دوش باز نشود بروی تمام دنیا و آنها کمک نکنند نمیتواند کار بکنند مگر آن که خودتان را کنار بکشید و با یک ترتیب دیگری زندگی بکنید اگر بخواهیم تصدیق بکنیم که آن طور زندگی هم ممکن است بدیهی است که قبول نمیکند برای اینکه وقتیکه دو قسم زندگی را میگذارد پیش هم البته هر کدام بهتر است او قبول میشود پس اگر زندگی مشترک را میخواهید باید در تجارت این مملکت بروی همه دنیا باز باشد که نفع ببریم و اینهم که اظهار مخالفت میشود شاید بواسطه یک سابقه بدی است که پیش خودمان است از بعضی امتیازاتیکه داده شده ولی همه چیز فرغ شرایط است شرایط خوب عمل را خوب نگاه میدارد و بدبختانه بعضی چیزها که شما را یک قدری رنجانیده است آن شرایطی بوده است که باید ملاحظه شود نشده است لیکن در این لایحه بقدری دقت شده است که بنده گمان میکردم منفعتی که اینکار برای آتی مملکت دارد بدون مذاکره این لایحه خواهد گذشت برای اینکه چیزی که بتوانیم احتمال ضرر بهمیم در این لایحه نیست بزرگترین منفعتش همین است که مردم راضی میشوند پولشان را بیاورند خرج کنند که شما منفعتش را ببرید و اخیراً عرض میکنم ضرورتیکه از این تجارت بتجار متوجه است بکسی رعیت و افراد مردم خواهد رفت نه بکسی یکنفر تاجر و اگر باین اظهارات بنده قانع نشدند در وقتی که داخل مواد میشود حاضریم که توضیح از این بهتر بهمیم که همه کس ملتفت بشود

**منتهی السلطان** - همیشه در تجارت دولت و مملکت ایران بتمام کره ارض باز است و هر کس در مملکت ما میتواند بطور آزادی تجارت کند یعنی بقیه خودم عرض میکنم هیچوقت هم مخالف تجارت و شرکت و اجازه نامه که داده میشود نیست ولی بشرطیکه مواد او صحیح باشد و من مخالفم با این لایحه بجهت اینکه مواد او را صحیح نمیدانم مثلا در ماه اول که ذکر میکنم که اتباع ایران بمدار این فقط حق لوله کشیدن را خواهند داشت و در ماده دیگر ذکر میکنم و اتباع ایران نباید بتجار خارجه شرکت داشته باشند با این مواد مخالف دولت حق دارد که بهر کس حق آوردن نفت و لوله کشیدن را بکنند نه اینکه هر کس نفت بیاورد نباید با اتباع خارجه شرکت داشته باشد این مواد مخالف که در ماده ۱۰ بود مخالف بودم و در ماده دیگر ذکر میکنم که کرایه نفت را هر ماه باید کارگذاری معین کند ازبیره بازار تار شت باید فهمید این کرایه چه کرایه است کرایه ایست که بامکاری حمل و نقل میکردند سابق بر این یا که از مجرای لوله میآید برشت که خیلی ارزان تر وارد میشود نسبت به آن خرجی که برای لوله کشی میکنند و نفعی که حمل میشود از این راه لوله و میآید چقدر کرایه خواهد برداشت نسبت بخرج لوله کشی البته آن یک ربع نفعی که بتجار داخله باید وارد کنند اگر با یک جزئی کرایه برای خودش ارزان تر وارد شود و ارزان تر بفروشد باید بتجار داخله آن کرایه را ببیزان مکاری بدهد و از راه مجری بیاورد این خیلی گران تر تمام میشود

بر حسب تحقیقاتی که شده است تجارت نفت در رشت اغلبش وعده اش با اتباع خارجه است فقط یکنفر یا دو نفر از اتباع ایران در انزلی تجارت نفت دلوند و برای اینکه بتجار آنها صدمه وارد نشود اینها قرار دادند که در هفته اگر هشت هزار بشکه نفت کمپانی با این لوله برای خودش بانبار وارد میکند دو هزار بشکه هم باید نفت بتجار داخله را وارد کند برای اینکه آنها بتوانند با کمپانی رقابت بکنند و اسباب اضمحلال تجارت آنها نشود اما از بابت کرایه که فرمودند نوشته است کارگذار خارجه قرار کرایه را میدهد علتش این است که اینجا دو کرایه است یکی این است که از دهنه پیره بازار یعنی از آخر مرداب آن بشکه را میآورند به پیره بازار بعد از پیره بازار آن بشکه با مال بطول یک فرسخ رودخانه هیچوقت در زمستان و تابستان کرایه اش تغییر پذیر نیست مگر در زمستانی که خیلی سخت بشود و آب رودخانه چون شیرین است بیخ میکند و کرایه گرانتر بشود اما آن کرایه یک فرسخی با مال در زمستان و تابستان فرق میکند زمستان کرایه با مال هفت هزار هشت هزار میشود ولی یک تومان بواسطه برف و بیخ ولی در تابستان دوهزار است الی سه هزار از سه هزار متجاوز نمیشود برای اینکه کرایه در زمستان و تابستان بواسطه سهولت و صعوبت راه فرق میکند از اینجا در اینجا قید شده است که هر ماه کارگذار قرار بدهد باندازه که با مال بار خودشان را حمل میکنند همان کرایه را اشخاص که نفت خودشان را با لوله وارد میکنند بکمپانی میدهند اما اینکه فرمودند این فقط نفعش منحصر بکمپانی خواهد بود و لایحه اینست که کمپانی اگر خواست این نفتی را که وارد میکند کم وارد کند در مقابل مغارجی که کرده است فائده برایش ندارد ناچار است که زیاد وارد کند و هر مال التجاره که زیاد باشد قهراً از قیمت او میکاهد و از قیمت تنزل خواهد کرد یعنی بهمان اندازه که کمپانی از آن نفع خواهد برد بعلاوه خوب است آقایان ملتفت باشند نفتی که وارد رشت میشود در خود رشت مصرف نمیشود در گیلان برای قزوین طهران همدان کرمانشاهان خسه زنجان عراق و سایر شهرهای دیگر حمل میشود در تمام جاها در قیمت آنها فی الجمله تنزلی نیست خواهد داد و او بجهت اتباع ایران خواهد رفت و بجهت یکنفر تاجر خارجی نخواهد رفت.

**سایمان میرزا** - البته آن چیزیکه در مملکت بالاخره خواهیم داشت یک تلافی است و یک تجارتی و آنهم اگر جزء بجزء از دست بدهیم دیگر چیزی نخواهیم داشت پس منافع بتجار داخله را بدهیم در نظر داشته باشیم و اگر هر دو فرسخ بدو فرسخ و هر قسمت بقسمت آن هارا از دست بدهیم چیزی نمیکند که بتجار ما بکلی بیکار خواهند ماند زیرا که با نداشتن سرمایه آنها و زیادی سرمایه خارجه و بعضی وسائل تجاری اگر باین ترتیب تجارت را هم از آنها بگیریم آن وقت بکلی آنها را از کلا بیکار کرده و منافع آنها را از دست آنها گرفته ایم و اینکه این فقط راجع بنفع است البته آنهم راجع

بدو فرسخ است پس اگر درست توجه بفرمائید بنظر بنده شاید بنده درست ملتفت نشده باشم این لایحه یک مقدار ضرر بتجار داخله ما وارد می آورد و شاهد این مطلب هم عرایض تلگرافی است که از تجاریکه متصدی معاملات نفت هستند از وقتی که این لایحه تقدیم شده رسیده است و بعلاوه چند چیز در این لایحه ذکر شده است که وقتیکه بعمل بیاید بالطبع تجارت نفت را از بتجار داخله خواهند گرفت و منحصر خواهیم کرد باین کمپانی اولاً که ربع نفت را بتجار داخله میتوانند از این لوله جریان بدهند پس سه ربع دیگر او را کمپانی شخصاً میتواند جریان بدهد فرضاً هم که با ترتیب کرایه برای بتجار داخله مساوی وارد شود باز آنها عقب خواهند ماند فقط تفاوت یک ربع را خواهند داشت در تجارت و حال آنکه چنانچه گفته شد برای بتجار داخله گرانتر تمام خواهد شد و بعلاوه این ترتیبی که ذکر کرده است که با این ترتیبات یک قسمت منافع حمل و نقل ماز میان میرود و دیگر چیزی بدولت داده نمیشود در صورتیکه این شخص در اول لایحه که طبع و توزیع شده ذکر شده برای جبران خسارتیکه برای حمل و نقل از کرجی هابخشکی و همچنین برای خسارتی که برای او وارد میآید و این لوله برای او یک فائده خواهد داشت نمیدانم چطور شده است که از آن منافی که از بتجار داخلی ما گرفته شده است ذکر نشده و از آن فائده که از بتجار داخلی ما گرفته شده است یک قسمتی بدولت داده نشده است این یک نفعی است که در این لایحه معین شده است آیا از این نفعی که میرسد یک قسمتی بدولت خواهد داد یا نخواهد داد معلوم است که نخواهد داد بجهت اینکه در اینجا ذکر شده است و پس وقتیکه این اجازه را بدهیم یک مقدار ضرر بتجار داخله خودمان وارد آورده ایم یعنی بیعبارت آخری هر چند در اینجا انحصار نداده ایم ولی عملاً انحصار باین کمپانی داده ایم و بتجار داخله خودمان را بکلی از این بهره محروم کرده ایم بنده در نظر دارم که در بدو امر که گفتگوی این لوله کشی شد یک مجلس مقدماتی در وزارت خارجه شد و در آنجا هم تجاری که حاضر بودند اظهار کردند در صورتیکه نظر مقدماتی بود و چندان دقت درش نکرده بودند و تمام تجار هم نبودند آنها اظهار داشتند که ما هر چند نفت وارد کنیم کمپانی بالسویه از برای ما وارد کند ضرری برای ما نخواهد داشت و اینجا ربع معین شده است و قرار بود که یک جلسه فوق العاده از عموم تجار بکنند و نتیجه بگویند حالا آن جلسه چه شد و نتیجه اش چه بود او را خبر ندارم و اینکه عرض کردم که دوشور در این لایحه شود برای این بود که درست دقت بکنیم و نظر بکنیم آنهم که نشد حالا از شکایاتی که از اطراف رسیده است نظر میکنیم فقط چیزی که عملاً معلوم است و در آن ملاحظه بتجار داخله شده است حتی جریان یک ربع است و دیگر کرایه است که ماه بماه قرار خواهد گذارد و با اطلاع کارگذاری و معلوم هم نیست یعنی بنده نفهمیده ام که در قطع کردن کرایه بتجار هم خواهند بود یا اینکه یکنفر نماینده در آن جا قطع خواهد کرد و حال آنکه بتجار باید خودشان باشند که بدانند چطور قیمت کرایه قطع خواهد شد باین ترتیب بنده بکلی باین لایحه مخالف هستم و

**رئیس** - معلوم میشود وقتی که بنده عرض میکنم گوش نمیدید .

**متمین السلطنه** - اجازه میفرمائید؟

**رئیس** - بفرمائید .

**متمین السلطنه** - نظر باینکه بنده مخبر کمیسیون خارجه هستم عرض میکنم رد شدن این مطلب یعنی رد شدن اینکه داخل شور در مواد شوم آنچه بنده تصور میکنم هیچ جهتی ندارد مگر اینکه بقدر لزوم و بطور خوب دفاع از این لایحه نشد در صورتی که در آن موقع مقتضی این بود که آقایان وزراء مخصوصاً آقای وزیر امور خارجه که این لایحه را پیشنهاد کرده اند توضیحات کافی دهند و بنده هم اگر میدانستم که مخبر محترم کمیسیون فواید عامه بیشتر از این توضیح نخواهند داد خود توضیح میدادم و بعضی اشتباهات که در اینجا بود رفع میشد و علاوه بر این هم رأی مشکوک شد حالا اگر اجازه بفرمائید دو کار بشود یکی اینکه اگر میل حضرت رئیس باشد دوم ترتیبی که گرفته شود که از روی دقت باشد و باز مشکوک نشود یا اینکه اگر مذاکره کردن را صلاح میدانید ثانیاً مذاکرات بعمل آید که آنوقت اگر رأی میدهند از روی اطلاع باشد.

**رئیس** - عرض میکنم اولاً رأی مشکوک نشد بجهت اینکه (۲۹) نفر رأی دادند و شمرده شد و ثانیاً مذاکرات را گفتند در کلیات کافی است و کسی مخالفت نکرد و همیشه همینطور معمول است و رأی گرفته شده حالا بعضی از آقایان اگر میگویند رأی مشکوک شد یا مذاکرات کافی نبود و میخواهند دوباره رأی بگیریم آن یک مسئله حل شده است دوباره رأی میگیریم پس ایندفعه خوب گوش بدهید که باید مشکوک نشود رأی میگیریم در اینکه مذاکرات در کلیات کافی است یا کافی نیست رأی میگیریم اگر تصویب نشد که باز دوباره مذاکره بکنند و اگر تصویب شد که داخل در مواد میشود آقایان یک مذاکرات را در کلیات کافی میدانند قیام کنند (عده قیام کردند)

**رئیس** - تصویب نشد ثانیاً مذاکرات میشود آقای متمین السلطنه مخالفید؟

**متمین السلطنه** - موافقم .

**رئیس** - بفرمائید .

**متمین السلطنه** - از بعضی مذاکراتیکه بعمل آمد بنده مبینم آقایانیکه اعتراض باین لایحه دارند بیشتر باین راجع میشود که ضرری بتجار داخله وارد بیاید یکی این بود و یکی دیگر کرایه

مسئله کرایه آن هم دو شعبه پیدا میکند یکی کرایه بتجار داخله نفت حمل میکنند و یکی هم که مقصود آقای حاج شیخ علیخراسانی بود و راجع بحمل و نقل چیها میشد آنقدریکه راجع بضرر بتجار داخله باشد بنده شخصاً گمان نمیکند که یک ضرر متناهی بتجار داخله وارد بشود برای اینکه یقین است که بتجار داخلی که در انزلی این تجارت را میکنند عده آن ها خیلی کم است و شاید همین طور که مخبر محترم کمیسیون فواید عامه گفتند بدو یا سه یا چهار نفر هم بیشتر نمیرسد بعلاوه چون این مسئله اقتصادی است و باید از یک نظر بسیطی بآن نگاه کرد اگر فرضاً به دو سه نفر یک ضرری وارد بیاید باید دید نفعیکه در مقابل هست آن نفع تکافی میکند یا نه دولت ایران امروزه بدبختانه مجبور است که اتمه خارجه را استعمال کند و باید برای رفاه خاطر عامه اهالی مملکتش طریقه تسهیل حمل و نقل آن ها را بدخل خودش فراهم کند حالا اگر دو سه نفر بتجار داخله متضرر شوند باید دید که در عوض آن این مال التجاره چقدر ارزان میشود و نفع آن بعامه مصرف کنندگان چقدر میرسد پس میتوانم از این نقطه نظر بگویم که در مقابل این ضرر مختصر که بدو سه نفر بتجار داخله وارد میآید به افراد و آحاد اهالی و مصرف کنندگان این مملکت یک نفع زیادی میرسد و اما مسئله کرایه چنانچه عرض کردم دو شعبه است یکی راجع بتجار داخله که در یک ربع از این مجری به آن ها حق داده شده است که نفت خودشان را وارد کنند و قیمت راهم بقیمت عادلانه روز بدهند و البته هر تاجری ملاحظه صرفه خودش را میکند یعنی اگر برای او نفع میکند وارد میکند و آن کرایه عادلانه را میردازد و چنانچه صرفه ندارد حمل نمیکند اما اینکه حمل و نقل چیها عموماً ضرری وارد بیاید که شعبه دوم ازدو شعبه ایست که عرض کردم و آقای حاج ششمعلی خراسانی هم اظهار داشتند آن ایراد ابداً وارد نیست بواسطه اینکه در هر نقطه از مملکت که ما بخواهیم اسباب تسهیل حمل و نقل را فراهم میآوریم یک عده حمل و نقل چی یک قسم ضرری وارد خواهد شد و اگر ما بخواهیم فقط ملاحظه حال آنها را بکنیم نباید هیچوقت در خیال فراهم نمودن اسباب تسهیل حمل و نقل بیفتیم برای اینکه مبادا باین واسطه یک ضرری یک عده قبلی از قبیل چاروادارها وارد بیاید بلکه اگر این ایراد را بخواهیم خیلی قوت بدهیم بگوئیم که راه آن هم در این مملکت نداشته باشیم چرا که بچاروادارها ضرر وارد میاید این نظرات را اگر ما بخواهیم داشته باشیم ممکن نیست کاری بکنیم باید این اعتراضات را ساقط کرد یعنی گفت که اگر ضرری هم به حمل و نقل چیها وارد بیاید بایستی قبول کرد تا اینکه این ممکن است وارد کنیم و برای مردم ممکن شود ارزان بخرند این ایرادات و اعتراضات اساسی بود که باین لایحه میشد و بقیه بنده هیچ وارد نبود اما منفعت دولت که اصرار دارند که از برای دولت چه منفعتی دارد باید بدانند که دولت همان ملت است و ملت همان دولت لازم نکرده است برای هر کاریکه

میشود عایدی مستقیم بدولت برسد البته دولت هر اقدامی که میکند نفع عامه در اوست باید گفت که این نفع دولت است اگر دولت چیزی را وارد ایران نکند و بیگ قیمت نازلی وارد کند این نفع دولت و نفع عامه ملت است و اینکه بشرط اول و دوم آقای منتصرالسلطان ایراد کردند که این اجازه برعابای ایران ممکن است داده شود و بسایرین داده نمیشود گمان میکنم که درست را بورت کمیسیون ملاحظه فرموده اند در آنجا مخصوصاً تغییر عبارت داده اند و نوشته اند که دولت میتواند بهر کسی اجازه بدهد البته دولت آزاد است که بهر کس میخواهد اجازه بدهد پس روی هم رفته تصور نمیکنم اگر آن لایحه مصوبه قرائت شود آقایان التفات خواهند فرمود که اعتراضاتی که اظهار شد اصلاً وارد نیست بالاخره بعکس رایی که داده شد امیدواریم که برای داخل شدن در مواد رای داده شود .

**دکتر حاج رضاخان** - استدعایکم

توضیحی را که بنده می خواهم خود آقای وزیر امور خارجه هم بدهند بواسطه این که البته نظریات آقایان نمایندگان همان نظرانی است که مخالفت کردیم و در مقابل اظهار داشتند این مواد را ما هم مطالعه کرده ایم آنها يك فلسفه و حکمتی از برای این مواد زیاده از ما نخواهند دانست بنده عرض میکنم آنچه بیکه که سبب مخالفت بنده در کلیات بود همان سبب است که بنده بکلی با این لایحه مخالفم و آن مسئله فشاری است که وارد میآید بملت ایران برای اینکه از پیره بازار که فقط حمل میشود میآید برشت البته مال خیلی لازم دارد و معین است که این مالها بدولت مالیات و نواقل میدهند و در این صورت مسلم است که اینها از کار میافتند و کمپانی در ازای این هیچ بدولت نخواهد داد بجهت اینکه اولوله میکشد حالا میخوایم ببینم آیا ممکن است که ما بروم در خاک خارجه و اجازه بگیریم و هیچ عایدی ندهیم . اگر فایده از این راه بدولت میرسد که خوب است توضیح بدهند که در سال صد تومان تایلک تومان چقدر از اینکار عاید دولت خواهد شد اما در باب اینکه آقای حاج وکیل الرعایا فرمودند که ارزانی تمام میشود بنده خیلی تعجب میکنم و خواهشمند بودم از آقای حاج وکیل الرعایا که نظر تجارشان سطحی نباشد و خوب بود میفرمودند که مرادشان از این ارزانی و گرانی چه چیز است آیا ارزانی از یاد کوبه خریده میشود بی بی آیا کرایه کشی که میشود کمتر میشود نه فقط ما گرانتر میگردیم تفاوت او را میدادیم بخود تجار داخله و از برای حمل و نقل این فقط حالا تو فیریکه بخود تجار میدادیم آنرا نمیدهیم اما اصل آن پولیکه میدادیم حالا هم میدهیم نهایت بتجار داخله نمیدهیم به کمپانی میدهیم و باید دانست که این امتیاز و انحصار ماست برای اینکه امتیاز و انحصار بلفظ نیست من نمیخواهم که داخل در مواد شوم ولی مجبورم بطور کلی عرض کنم که وقتیکه نباشد که تجار داخله حق داده شود که بتربیع نفتی را که کمپانی نوبل وارد میکند آنها وارد بکنند باید یکربیع حق مجری بآنها بدهیم که در چهار شبانه روز تجار داخله حق داشته باشند که يك شبانه روز از آن

مجری لفظ وارد کنند اما از اینکه کمپانی در این چهار شبانه روز تمام نفع و نفع واردها بدهد و هیچ فلسفه آنرا نمیفهمم که چرا باین عبارت در آمده که وقتی که تجار داخله بخوانند از این مجری فقط وارد کنند کرایه آنرا از پیره بازار تارشت بقیمت عادلانه که کار گذاری معین میکنند بکمپانی بدهند با این ترتیب این لوله مال خودش است سه ربع را هم خودش وارد میکند معلوم است که اینکار انحصار پیدا خواهد کرد بخودش و تجار داخلی از این مجری که مقیاس میگیرند محروم خواهند ماند و دیگر اینکه آقای حاج وکیل الرعایا تجار را عبارت از این میدانند که دو نفر یا سه نفر کدر آنجا باشند از بین بروند اینها اهمیت ندارند ولی اگر ملاحظه کنیم خواهیم دید که این کسه نفر سر میزند بهزار نفر بعلاوه بخود آن کسی که کرایه کشی میکند ضرر وارد می آید او هم تجارت است فرق نمیکند ولی ما اگر یکی صد هزار تومان ضرر وارد بیاید اسم آن صد هزار تومانی را تاجر نمیکند و اسم آن ده هزار تومانی را تاجر نمی گذاریم مسئله اقتصاد مملکت یکی دو تا سه تا ندارد البته اگر ما دیدیم خسارتی بیک نفر از اهالی مملکت وارد بیاید در صورتیکه نفعی در مقابل ندارد باید جلوگیری کنیم اینست که بنده فقط نظرم از باب خسارتی است که بدولت ایران وارد میآید و در مقابل هم هیچ عایداتی پیدا نمیکند و فلسفه اینرا خواستم آقای وزیر خارجه بیان کنند .

**وزیر امور خارجه** - اینکه بنده دفاع

نکردم بواسطه این بوده است که مرخص هستم و حال حرف زدن را ندارم ولی چون می بینم بعضی اشتباهات برای آقایان دست میدهد ناچارم عرض کنم اولاً بنده تعجب میکنم از اینکه کلیه مذاکراتیکه میشود مبنی بر حمایت از تجار است و مقصود اینست که صرفه تجار را منظور کنند در صورتیکه در موقعیکه این امر آمده است بوزارت امور خارجه اول کاریکه وزارت امور خارجه کرده است این بوده است که شود کرده است با تجار بدون اینکه خودش يك حرفی بزند یا خودش مطالعات شخصی بکند و یا نظریات خودش را اهمیت بدهد و برای اینکار تجار معتبر را که در کلیه امور تجارتی عموماً و در خصوص تجارت نفع خصوصاً اطلاع و بصیرتی داشتند دعوت و آنها نظریات خودشان را گفته اند بالاخره مطابق همین پیشنهادی که کرده ایم تصدیق کردند که اگر اینطور کمپانی نوبل قبول بکنند برای تجارت مملکت فایده دارد شاهزاده سلیمان میرزا گفتند که تجار فقط نظر مقدماتی کرده اند بنده نمیدانم مقصودشان از این نظر مقدماتی چه بوده است تجار آمده اند و نوشته اند و همین شرایط را خود آنها نوشته اند و گفته اند که اگر این شرایط را کمپانی نوبل قبول بکند خیلی خیلی خوب است بنده نمیدانم اگر نظر مقدماتی بود یا چیز دیگری بود فرقی چه چیز است نظریکه آنها کرده اند من است و همینطور باصراحه گفته اند اما اینکه فرمودند که چند نفر تجار که بصیرت دارند و میدانند خوب بود بعد از آنکه از آنها پرسیدند از عموم تجار هم این مسئله را به پرسند بنده نمیدانم بچه ترتیب دولت میتواند از تمام تجاریکه در این مملکت هستند استعلام بکند برای اینکه معلوم است

عده تجار هم دامنه وسیعی دارد و دولت اگر بخواند از تمام آنها استعلام کند باید بطریق ( برانندی) اینکارا بکند و این هم معین است چقدر ( لاستیک) خواهد داشت تا اینکه از همه به پرسند که اجازه تمديد لوله فقط را بکمپانی نوبل بدهیم باید هم با چنین ترتیبی تمديد لوله فقط بنظر من خیلی مشکل است اما آمدم بر سر مسئله که میفرمایند که بعضی تجار تلگرافی کرده اند و شکایت کرده اند که اگر این اجازه را بدهند تجارت ما خراب خواهد شد در این خصوص بنده عرض میکنم وزارت امور خارجه تحقیقاتی کرده است و معلوم کرده است که تجار داخلی که تجارت فقط مهمی داشته باشند که این شکایت را بکنند نیست فقط یک عده کمی هستند و آن عده کم هم آنها نیستند که شکایت میکنند بعضی تجاری که در روسیه هستند چون کمپانی نوبل سرمایه دارد و میتواند این لوله را بکشد و يك رقابتی با این کمپانی نوبل دارند بعضی از تجار داخلی را تحريك کرده اند و آن ها این اظهارات را کرده اند آن اشخاصیکه این شکایات را کرده اند که ملاحظه میفرمایند آن ها پیش از سه نفر نیستند آن ها سه نفر را تحريك کرده اند که شکایتی بکنند بنده همچو می بینم و میفهمم که این شکایات هیچ مأخذی ندارد و بعقیده بنده در لایحه خیلی مذاقه شده است هم در وزارت امور خارجه هم در کمیسیون خارجه هم در کمیسیون فوائد عامه باین ملاحظات بعد از ملاحظه اینکه این اجازه نه ضرر اقتصادی و نه ضرر پلتيکی علاوه يك فوائد کلی خواهد داشت چرا بواسطه این که دولت بدون اینکه يك امتیاز و يك انحصاری بدهد و در مسافتی که سابقاً در يك قسمت از آن با کرجی و بشکه وارد میشد و در يك قسمت دیگر با اسب و قاطر با کمال زحمت و از شکستن چلیک يك خسارت خیلی زیادی بصاحبان فقط چه بتجار داخله و چه بتجار خارجه وارد میشد حالا بواسطه لوله وارد انبار میشود و بواسطه سهولت حمل و نقل که البته آقایان تصدیق خواهند کرد سهولت حمل و نقل یکی از بزرگترین فوائدی است که مال التجاره سلامت وارد میشود و بواسطه سلامت از تقریب علی التحقیق فقط زیاد خواهد شد و همینقدر که از تقریب مصون خواهد ماند و سهولتش بهتر شد مسلم است بطور حتم اسباب ارزانی این مال التجاره میشود در قانون اقتصادی هم بدیهی است که يك مال التجاره خیلی خیلی زیاد شد قیمتش کسر خواهد شد و نخواهند توانست قیمت آنرا در يك مأخذ معینی برای خودشان نگاه بدارند و قهراً با طبیعت اشیاء نمیتواند مبارزه بکنند و مجبور میشوند که قیمت اشیاء را تنزل بدهند بعلاوه این مسئله هم امتیاز و انحصار نیست هر کس از شعبه داخله و خارجه میتواند بعد از این لوله بکشد و یقین دارم بنده که در آتیه لوله های متدیده کشیده خواهد شد برای اینکه رقابت در این موضوع بطور فوق العاده است و اسباب ارزانی فقط و سهولت کار میشود بطوری که ممکن است بعد از اینها ماشین ها و مستوره ها که سابق نبوده است بکار بیندازند و خیلی خیلی برای ما فایده خواهد داشت و علاوه بر این علت ترقی صنعت مملکت ما خواهد شد بنا بر این بنده تصور میکنم که هر قدر مذاکرات را طول بدهیم فائده ندارد جز اینکه از تطویل مذاکرات مذاکرات معلوم خواهد شد که اطلاعات ما کم است و

و میتواند این لوله را بکشد و يك رقابتی با این کمپانی نوبل دارند بعضی از تجار داخلی را تحريك کرده اند و آن ها این اظهارات را کرده اند آن اشخاصیکه این شکایات را کرده اند که ملاحظه میفرمایند آن ها پیش از سه نفر نیستند آن ها سه نفر را تحريك کرده اند که شکایتی بکنند بنده همچو می بینم و میفهمم که این شکایات هیچ مأخذی ندارد و بعقیده بنده در لایحه خیلی مذاقه شده است هم در وزارت امور خارجه هم در کمیسیون خارجه هم در کمیسیون فوائد عامه باین ملاحظات بعد از ملاحظه اینکه این اجازه نه ضرر اقتصادی و نه ضرر پلتيکی علاوه يك فوائد کلی خواهد داشت چرا بواسطه این که دولت بدون اینکه يك امتیاز و يك انحصاری بدهد و در مسافتی که سابقاً در يك قسمت از آن با کرجی و بشکه وارد میشد و در يك قسمت دیگر با اسب و قاطر با کمال زحمت و از شکستن چلیک يك خسارت خیلی زیادی بصاحبان فقط چه بتجار داخله و چه بتجار خارجه وارد میشد حالا بواسطه لوله وارد انبار میشود و بواسطه سهولت حمل و نقل که البته آقایان تصدیق خواهند کرد سهولت حمل و نقل یکی از بزرگترین فوائدی است که مال التجاره سلامت وارد میشود و بواسطه سلامت از تقریب علی التحقیق فقط زیاد خواهد شد و همینقدر که از تقریب مصون خواهد ماند و سهولتش بهتر شد مسلم است بطور حتم اسباب ارزانی این مال التجاره میشود در قانون اقتصادی هم بدیهی است که يك مال التجاره خیلی خیلی زیاد شد قیمتش کسر خواهد شد و نخواهند توانست قیمت آنرا در يك مأخذ معینی برای خودشان نگاه بدارند و قهراً با طبیعت اشیاء نمیتواند مبارزه بکنند و مجبور میشوند که قیمت اشیاء را تنزل بدهند بعلاوه این مسئله هم امتیاز و انحصار نیست هر کس از شعبه داخله و خارجه میتواند بعد از این لوله بکشد و یقین دارم بنده که در آتیه لوله های متدیده کشیده خواهد شد برای اینکه رقابت در این موضوع بطور فوق العاده است و اسباب ارزانی فقط و سهولت کار میشود بطوری که ممکن است بعد از اینها ماشین ها و مستوره ها که سابق نبوده است بکار بیندازند و خیلی خیلی برای ما فایده خواهد داشت و علاوه بر این علت ترقی صنعت مملکت ما خواهد شد بنا بر این بنده تصور میکنم که هر قدر مذاکرات را طول بدهیم فائده ندارد جز اینکه از تطویل مذاکرات مذاکرات معلوم خواهد شد که اطلاعات ما کم است و

بنده اندک اندک میگویند چنين نیست و کار بمشاجره و منازعه میانجامد و در کار گذاری یا در باکو در قونولگری یا قدری مسئله بزرگتر میشود شاید در طهران و وزارت ما در بطر ز بوغ مذاکره میشود و همیشه محاکمه اینها در این خواهد شد که آن شريك شما تبعه خارجه است و اینها میگویند نیست

**رئیس** - حالا مذاکرات را آقایان کافی میدانند مخالفی نیست .

**حاج وکیل الرعایا** - بنده مخالفم و گمان میکنم که این عرض بنده لازم است .

**رئیس** - نسبت بختم مذاکرات اگر اظهاری دارید بفرمایید .

**حاج وکیل الرعایا** - بنده هم نسبت بهمین ختم مذاکرات عرض میکنم که کافی نیست برای اینکه سه مرتبه فرمودند کافی است فقط سه نفر جواب دادند کافی است باقی سکوت کردند .

**رئیس** - اگر دلایلی دارید بفرمایید .

**حاج وکیل الرعا** - بنده عرض میکنم که باید بیش از این مذاکرات بشود تا اینکه شاید مجلس از بعضی اختلافات بیرون بیاید و رای بدهند که داخل در مواد بشویم .

**رئیس** - فقط شما مخالفید .

**حاج وکیل الرعایا** - عجالتاً بنده یکی هستم .

**رئیس** - رای می گیریم آقایانیکه مذاکرات را در کلیات کافی میدانند قیام نمایند بعضی قیام کردند ( معلوم شد که مذاکرات کافی نیست .

**منتصر السلطان** - اینجا در باب منافع دولت و عدم نفع دولت مذاکره شد اولاً يك پول بموجب فرموده آقای وزیر امور خارجه که نه مالیاتی میدهند و نه حقوقی میدهند هیچ فایده نیست و اما برای تجار معلوم است که کاملاً بتجار ضرر وارد میآید و بهمان دوسه نفریکه بطور کلی ذکر میکنند که ضرر وارد میشود بلکه ورشکست و نیست و نابود میشوند چرابهجهت این که این تجاریکه امروز انبارهای نفت دارند و آنها را صندوق میکنند و میفرستند بطهران و جاهای دیگر ممکن است این کمپانی فردا بگوید آن نفتیکه از باد کوبه میخرند و وارد میکنند آن شريك شما و در اینجا آنرا میخرد و میفرستد تبعه خارجه است یا مجرمانه یا تبعه خارجه شريك هستید و اینها بگویند چنين نیست و کار بمشاجره و منازعه میانجامد و در کار گذاری یا در باکو در قونولگری یا قدری مسئله بزرگتر میشود شاید در طهران و وزارت ما در بطر ز بوغ مذاکره میشود و همیشه محاکمه اینها در این خواهد شد که آن شريك شما تبعه خارجه است و اینها میگویند نیست

و تاجرانیکه حق جریان دادن بکریع فقط را دارند بوجوب این دلایل ممکن نیست کمپانی نوبت بگذارند نفت وارد نمایند و تمام سرمایه خودشان را اثبات عدم شرکت با خارجه تجار داخله باید خرج نمایند باین دلیل عرض منیام نوبل است یعنی انحصار چرا بجهت اینکه در لایحه ذکر شده است که حق شرکت با تبعه خارجه نداشته باشند باین دلیل این بالطبع انحصار شد و اما اینکه میگویند بجهت تجار ضرری ندارد پس از آنکه چهار پنج نفر یاده نفر تاجر سرمایه دار ایران که با ثروت هستند و سالها تجارت نفت کرده اند و انبار های خیلی بزرگ ساخته اند و اینها وقتی که نتوانستند نفت وارد بکنند که آن سرمایه ها و آن انبارها بکلی نیست و نابود میشود بعلاوه آنها که عرض نشد نوبل درباری چند نفران ارزانیتر میفرشند چونکه تجار داخله باید کرایه بدهند از قرار باری چهار یادو قران و نوبل بتوسط لوله باری يك شاهی بلکه کمتر کرایه منظور نموده است برای خود پس باین دلایل نفت مونوپل شد و اگر فرض هیچ کرایه هم نگیرد آن وقت به کنت کوران (رقابت) میتواند تمام تجار را نیست و نابود نماید چون بجهت تجار داخله هیچ اختیاراتی ملاحظه نشده است و نوبل باری یکصد دینار کمتر اگر بفرشند بوجوب کنت کوران عمل را پیش خواهد برد آقای وزیر امور خارجه فرمودند بواسطه جریان نفت از لوله مناسب تر و فراوان تر میشود بوجوب دستور برای اسونرها و فابریکها و غیره ها که هنوز کارخانه وارد نکرده ایم بجهت موتو و فابریکها و غیره هر وقت ملت یا دولت وارد نمود سوخت و سور آن با آن جنگلهای دولت و معادن نفت ایران و فغال سنگ و همه غیره چه ملاحظه در بین است که دوسال صد ها هزار تومان برای خاطر کمپانی نوبل بملت ایران باید خسارت وارد شود باینجهت است که بنده با این لایحه مخالف هستم معین است که چه حالی پیدا خواهند کرد آن تجار داخله بآن ترتیبات و شما حالا میفرمایید که يك تفاوت پیدا کرده است در چلیکهای نفت که در هر وقتیکه با چلیک بیآورند او خورده میشود خیر از باکو در صندوق حمل نمیکند فقط همیشه میریزند در انبار کشتیها و آنجا هم هفتاد هزار یوط صد هزار یوط با تلمبه میریزند در رزروا و از رزروا هر جا بخواهند نفت میآورند پس چلیک نفت نیست که ضرر وارد شود فقط چلیک را از رشت با اینجا خواهند آورد و خسارت از رشت باین صرف است .

کمپانی هم از رشت چلیک درست میکنند و از آنجا حمل میکنند بقزوین و غیره و در راه اگر خورد میشود آن مربوط بکمپانی و آن تجار نیست بجهت عموم تجار فقط فروش رافع میشود باین دلیل که عرض کردم بنده باین اجازه یعنی انحصار یعنی گذا کردن تجار گیلانی یا آن تجاری که تجارت فقط می کرده اند مخالفم و ابتدا صلاح نمی دانم اجازه داده شود .

**آقای سید حسن مدرس** - گویا فلت کرده اند بنده دودفعه اجازه خواستم اجازه داده نشد حاصل عراض بنده اینست که عراض بنده نه تصدیق کسی است نه تکذیب کسی عجالتاً تخطئه در حس خودمان نمیکنیم

و تاجرانیکه حق جریان دادن بکریع فقط را دارند بوجوب این دلایل ممکن نیست کمپانی نوبت بگذارند نفت وارد نمایند و تمام سرمایه خودشان را اثبات عدم شرکت با خارجه تجار داخله باید خرج نمایند باین دلیل عرض منیام نوبل است یعنی انحصار چرا بجهت اینکه در لایحه ذکر شده است که حق شرکت با تبعه خارجه نداشته باشند باین دلیل این بالطبع انحصار شد و اما اینکه میگویند بجهت تجار ضرری ندارد پس از آنکه چهار پنج نفر یاده نفر تاجر سرمایه دار ایران که با ثروت هستند و سالها تجارت نفت کرده اند و انبار های خیلی بزرگ ساخته اند و اینها وقتی که نتوانستند نفت وارد بکنند که آن سرمایه ها و آن انبارها بکلی نیست و نابود میشود بعلاوه آنها که عرض نشد نوبل درباری چند نفران ارزانیتر میفرشند چونکه تجار داخله باید کرایه بدهند از قرار باری چهار یادو قران و نوبل بتوسط لوله باری يك شاهی بلکه کمتر کرایه منظور نموده است برای خود پس باین دلایل نفت مونوپل شد و اگر فرض هیچ کرایه هم نگیرد آن وقت به کنت کوران (رقابت) میتواند تمام تجار را نیست و نابود نماید چون بجهت تجار داخله هیچ اختیاراتی ملاحظه نشده است و نوبل باری یکصد دینار کمتر اگر بفرشند بوجوب کنت کوران عمل را پیش خواهد برد آقای وزیر امور خارجه فرمودند بواسطه جریان نفت از لوله مناسب تر و فراوان تر میشود بوجوب دستور برای اسونرها و فابریکها و غیره ها که هنوز کارخانه وارد نکرده ایم بجهت موتو و فابریکها و غیره هر وقت ملت یا دولت وارد نمود سوخت و سور آن با آن جنگلهای دولت و معادن نفت ایران و فغال سنگ و همه غیره چه ملاحظه در بین است که دوسال صد ها هزار تومان برای خاطر کمپانی نوبل بملت ایران باید خسارت وارد شود باینجهت است که بنده با این لایحه مخالف هستم معین است که چه حالی پیدا خواهند کرد آن تجار داخله بآن ترتیبات و شما حالا میفرمایید که يك تفاوت پیدا کرده است در چلیکهای نفت که در هر وقتیکه با چلیک بیآورند او خورده میشود خیر از باکو در صندوق حمل نمیکند فقط همیشه میریزند در انبار کشتیها و آنجا هم هفتاد هزار یوط صد هزار یوط با تلمبه میریزند در رزروا و از رزروا هر جا بخواهند نفت میآورند پس چلیک نفت نیست که ضرر وارد شود فقط چلیک را از رشت با اینجا خواهند آورد و خسارت از رشت باین صرف است .

کمپانی هم از رشت چلیک درست میکنند و از آنجا حمل میکنند بقزوین و غیره و در راه اگر خورد میشود آن مربوط بکمپانی و آن تجار نیست بجهت عموم تجار فقط فروش رافع میشود باین دلیل که عرض کردم بنده باین اجازه یعنی انحصار یعنی گذا کردن تجار گیلانی یا آن تجاری که تجارت فقط می کرده اند مخالفم و ابتدا صلاح نمی دانم اجازه داده شود .

**آقای سید حسن مدرس** - گویا فلت کرده اند بنده دودفعه اجازه خواستم اجازه داده نشد حاصل عراض بنده اینست که عراض بنده نه تصدیق کسی است نه تکذیب کسی عجالتاً تخطئه در حس خودمان نمیکنیم

و تاجرانیکه حق جریان دادن بکریع فقط را دارند بوجوب این دلایل ممکن نیست کمپانی نوبت بگذارند نفت وارد نمایند و تمام سرمایه خودشان را اثبات عدم شرکت با خارجه تجار داخله باید خرج نمایند باین دلیل عرض منیام نوبل است یعنی انحصار چرا بجهت اینکه در لایحه ذکر شده است که حق شرکت با تبعه خارجه نداشته باشند باین دلیل این بالطبع انحصار شد و اما اینکه میگویند بجهت تجار ضرری ندارد پس از آنکه چهار پنج نفر یاده نفر تاجر سرمایه دار ایران که با ثروت هستند و سالها تجارت نفت کرده اند و انبار های خیلی بزرگ ساخته اند و اینها وقتی که نتوانستند نفت وارد بکنند که آن سرمایه ها و آن انبارها بکلی نیست و نابود میشود بعلاوه آنها که عرض نشد نوبل درباری چند نفران ارزانیتر میفرشند چونکه تجار داخله باید کرایه بدهند از قرار باری چهار یادو قران و نوبل بتوسط لوله باری يك شاهی بلکه کمتر کرایه منظور نموده است برای خود پس باین دلایل نفت مونوپل شد و اگر فرض هیچ کرایه هم نگیرد آن وقت به کنت کوران (رقابت) میتواند تمام تجار را نیست و نابود نماید چون بجهت تجار داخله هیچ اختیاراتی ملاحظه نشده است و نوبل باری یکصد دینار کمتر اگر بفرشند بوجوب کنت کوران عمل را پیش خواهد برد آقای وزیر امور خارجه فرمودند بواسطه جریان نفت از لوله مناسب تر و فراوان تر میشود بوجوب دستور برای اسونرها و فابریکها و غیره ها که هنوز کارخانه وارد نکرده ایم بجهت موتو و فابریکها و غیره هر وقت ملت یا دولت وارد نمود سوخت و سور آن با آن جنگلهای دولت و معادن نفت ایران و فغال سنگ و همه غیره چه ملاحظه در بین است که دوسال صد ها هزار تومان برای خاطر کمپانی نوبل بملت ایران باید خسارت وارد شود باینجهت است که بنده با این لایحه مخالف هستم معین است که چه حالی پیدا خواهند کرد آن تجار داخله بآن ترتیبات و شما حالا میفرمایید که يك تفاوت پیدا کرده است در چلیکهای نفت که در هر وقتیکه با چلیک بیآورند او خورده میشود خیر از باکو در صندوق حمل نمیکند فقط همیشه میریزند در انبار کشتیها و آنجا هم هفتاد هزار یوط صد هزار یوط با تلمبه میریزند در رزروا و از رزروا هر جا بخواهند نفت میآورند پس چلیک نفت نیست که ضرر وارد شود فقط چلیک را از رشت با اینجا خواهند آورد و خسارت از رشت باین صرف است .

کمپانی هم از رشت چلیک درست میکنند و از آنجا حمل میکنند بقزوین و غیره و در راه اگر خورد میشود آن مربوط بکمپانی و آن تجار نیست بجهت عموم تجار فقط فروش رافع میشود باین دلیل که عرض کردم بنده باین اجازه یعنی انحصار یعنی گذا کردن تجار گیلانی یا آن تجاری که تجارت فقط می کرده اند مخالفم و ابتدا صلاح نمی دانم اجازه داده شود .

**آقای سید حسن مدرس** - گویا فلت کرده اند بنده دودفعه اجازه خواستم اجازه داده نشد حاصل عراض بنده اینست که عراض بنده نه تصدیق کسی است نه تکذیب کسی عجالتاً تخطئه در حس خودمان نمیکنیم

و تاجرانیکه حق جریان دادن بکریع فقط را دارند بوجوب این دلایل ممکن نیست کمپانی نوبت بگذارند نفت وارد نمایند و تمام سرمایه خودشان را اثبات عدم شرکت با خارجه تجار داخله باید خرج نمایند باین دلیل عرض منیام نوبل است یعنی انحصار چرا بجهت اینکه در لایحه ذکر شده است که حق شرکت با تبعه خارجه نداشته باشند باین دلیل این بالطبع انحصار شد و اما اینکه میگویند بجهت تجار ضرری ندارد پس از آنکه چهار پنج نفر یاده نفر تاجر سرمایه دار ایران که با ثروت هستند و سالها تجارت نفت کرده اند و انبار های خیلی بزرگ ساخته اند و اینها وقتی که نتوانستند نفت وارد بکنند که آن سرمایه ها و آن انبارها بکلی نیست و نابود میشود بعلاوه آنها که عرض نشد نوبل درباری چند نفران ارزانیتر میفرشند چونکه تجار داخله باید کرایه بدهند از قرار باری چهار یادو قران و نوبل بتوسط لوله باری يك شاهی بلکه کمتر کرایه منظور نموده است برای خود پس باین دلایل نفت مونوپل شد و اگر فرض هیچ کرایه هم نگیرد آن وقت به کنت کوران (رقابت) میتواند تمام تجار را نیست و نابود نماید چون بجهت تجار داخله هیچ اختیاراتی ملاحظه نشده است و نوبل باری یکصد دینار کمتر اگر بفرشند بوجوب کنت کوران عمل را پیش خواهد برد آقای وزیر امور خارجه فرمودند بواسطه جریان نفت از لوله مناسب تر و فراوان تر میشود بوجوب دستور برای اسونرها و فابریکها و غیره ها که هنوز کارخانه وارد نکرده ایم بجهت موتو و فابریکها و غیره هر وقت ملت یا دولت وارد نمود سوخت و سور آن با آن جنگلهای دولت و معادن نفت ایران و فغال سنگ و همه غیره چه ملاحظه در بین است که دوسال صد ها هزار تومان برای خاطر کمپانی نوبل بملت ایران باید خسارت وارد شود باینجهت است که بنده با این لایحه مخالف هستم معین است که چه حالی پیدا خواهند کرد آن تجار داخله بآن ترتیبات و شما حالا میفرمایید که يك تفاوت پیدا کرده است در چلیکهای نفت که در هر وقتیکه با چلیک بیآورند او خورده میشود خیر از باکو در صندوق حمل نمیکند فقط همیشه میریزند در انبار کشتیها و آنجا هم هفتاد هزار یوط صد هزار یوط با تلمبه میریزند در رزروا و از رزروا هر جا بخواهند نفت میآورند پس چلیک نفت نیست که ضرر وارد شود فقط چلیک را از رشت با اینجا خواهند آورد و خسارت از رشت باین صرف است .

کمپانی هم از رشت چلیک درست میکنند و از آنجا حمل میکنند بقزوین و غیره و در راه اگر خورد میشود آن مربوط بکمپانی و آن تجار نیست بجهت عموم تجار فقط فروش رافع میشود باین دلیل که عرض کردم بنده باین اجازه یعنی انحصار یعنی گذا کردن تجار گیلانی یا آن تجاری که تجارت فقط می کرده اند مخالفم و ابتدا صلاح نمی دانم اجازه داده شود .

**آقای سید حسن مدرس** - گویا فلت کرده اند بنده دودفعه اجازه خواستم اجازه داده نشد حاصل عراض بنده اینست که عراض بنده نه تصدیق کسی است نه تکذیب کسی عجالتاً تخطئه در حس خودمان نمیکنیم

و تاجرانیکه حق جریان دادن بکریع فقط را دارند بوجوب این دلایل ممکن نیست کمپانی نوبت بگذارند نفت وارد نمایند و تمام سرمایه خودشان را اثبات عدم شرکت با خارجه تجار داخله باید خرج نمایند باین دلیل عرض منیام نوبل است یعنی انحصار چرا بجهت اینکه در لایحه ذکر شده است که حق شرکت با تبعه خارجه نداشته باشند باین دلیل این بالطبع انحصار شد و اما اینکه میگویند بجهت تجار ضرری ندارد پس از آنکه چهار پنج نفر یاده نفر تاجر سرمایه دار ایران که با ثروت هستند و سالها تجارت نفت کرده اند و انبار های خیلی بزرگ ساخته اند و اینها وقتی که نتوانستند نفت وارد بکنند که آن سرمایه ها و آن انبارها بکلی نیست و نابود میشود بعلاوه آنها که عرض نشد نوبل درباری چند نفران ارزانیتر میفرشند چونکه تجار داخله باید کرایه بدهند از قرار باری چهار یادو قران و نوبل بتوسط لوله باری يك شاهی بلکه کمتر کرایه منظور نموده است برای خود پس باین دلایل نفت مونوپل شد و اگر فرض هیچ کرایه هم نگیرد آن وقت به کنت کوران (رقابت) میتواند تمام تجار را نیست و نابود نماید چون بجهت تجار داخله هیچ اختیاراتی ملاحظه نشده است و نوبل باری یکصد دینار کمتر اگر بفرشند بوجوب کنت کوران عمل را پیش خواهد برد آقای وزیر امور خارجه فرمودند بواسطه جریان نفت از لوله مناسب تر و فراوان تر میشود بوجوب دستور برای اسونرها و فابریکها و غیره ها که هنوز کارخانه وارد نکرده ایم بجهت موتو و فابریکها و غیره هر وقت ملت یا دولت وارد نمود سوخت و سور آن با آن جنگلهای دولت و معادن نفت ایران و فغال سنگ و همه غیره چه ملاحظه در بین است که دوسال صد ها هزار تومان برای خاطر کمپانی نوبل بملت ایران باید خسارت وارد شود باینجهت است که بنده با این لایحه مخالف هستم معین است که چه حالی پیدا خواهند کرد آن تجار داخله بآن ترتیبات و شما حالا میفرمایید که يك تفاوت پیدا کرده است در چلیکهای نفت که در هر وقتیکه با چلیک بیآورند او خورده میشود خیر از باکو در صندوق حمل نمیکند فقط همیشه میریزند در انبار کشتیها و آنجا هم هفتاد هزار یوط صد هزار یوط با تلمبه میریزند در رزروا و از رزروا هر جا بخواهند نفت میآورند پس چلیک نفت نیست که ضرر وارد شود فقط چلیک را از رشت با اینجا خواهند آورد و خسارت از رشت باین صرف است .

کمپانی هم از رشت چلیک درست میکنند و از آنجا حمل میکنند بقزوین و غیره و در راه اگر خورد میشود آن مربوط بکمپانی و آن تجار نیست بجهت عموم تجار فقط فروش رافع میشود باین دلیل که عرض کردم بنده باین اجازه یعنی انحصار یعنی گذا کردن تجار گیلانی یا آن تجاری که تجارت فقط می کرده اند مخالفم و ابتدا صلاح نمی دانم اجازه داده شود .

**آقای سید حسن مدرس** - گویا فلت کرده اند بنده دودفعه اجازه خواستم اجازه داده نشد حاصل عراض بنده اینست که عراض بنده نه تصدیق کسی است نه تکذیب کسی عجالتاً تخطئه در حس خودمان نمیکنیم

و تاجرانیکه حق جریان دادن بکریع فقط را دارند بوجوب این دلایل ممکن نیست کمپانی نوبت بگذارند نفت وارد نمایند و تمام سرمایه خودشان را اثبات عدم شرکت با خارجه تجار داخله باید خرج نمایند باین دلیل عرض منیام نوبل است یعنی انحصار چرا بجهت اینکه در لایحه ذکر شده است که حق شرکت با تبعه خارجه نداشته باشند باین دلیل این بالطبع انحصار شد و اما اینکه میگویند بجهت تجار ضرری ندارد پس از آنکه چهار پنج نفر یاده نفر تاجر سرمایه دار ایران که با ثروت هستند و سالها تجارت نفت کرده اند و انبار های خیلی بزرگ ساخته اند و اینها وقتی که نتوانستند نفت وارد بکنند که آن سرمایه ها و آن انبارها بکلی نیست و نابود میشود بعلاوه آنها که عرض نشد نوبل درباری چند نفران ارزانیتر میفرشند چونکه تجار داخله باید کرایه بدهند از قرار باری چهار یادو قران و نوبل بتوسط لوله باری يك شاهی بلکه کمتر کرایه منظور نموده است برای خود پس باین دلایل نفت مونوپل شد و اگر فرض هیچ کرایه هم نگیرد آن وقت به کنت کوران (رقابت) میتواند تمام تجار را نیست و نابود نماید چون بجهت تجار داخله هیچ اختیاراتی ملاحظه نشده است و نوبل باری یکصد دینار کمتر اگر بفرشند بوجوب کنت کوران عمل را پیش خواهد برد آقای وزیر امور خارجه فرمودند بواسطه جریان نفت از لوله مناسب تر و فراوان تر میشود بوجوب دستور برای اسونرها و فابریکها و غیره ها که هنوز کارخانه وارد نکرده ایم بجهت موتو و فابریکها و غیره هر وقت ملت یا دولت وارد نمود سوخت و سور آن با آن جنگلهای دولت و معادن نفت ایران و فغال سنگ و همه غیره چه ملاحظه در بین است که دوسال صد ها هزار تومان برای خاطر کمپانی نوبل بملت ایران باید خسارت وارد شود باینجهت است که بنده با این لایحه مخالف هستم معین است که چه حالی پیدا خواهند کرد آن تجار داخله بآن ترتیبات و شما حالا میفرمایید که يك تفاوت پیدا کرده است در چلیکهای نفت که در هر وقتیکه با چلیک بیآورند او خورده میشود خیر از باکو در صندوق حمل نمیکند فقط همیشه میریزند در انبار کشتیها و آنجا هم هفتاد هزار یوط صد هزار یوط با تلمبه میریزند در رزروا و از رزروا هر جا بخواهند نفت میآورند پس چلیک نفت نیست که ضرر وارد شود فقط چلیک را از رشت با اینجا خواهند آورد و خسارت از رشت باین صرف است .

کمپانی هم از رشت چلیک درست میکنند و از آنجا حمل میکنند بقزوین و غیره و در راه اگر خورد میشود آن مربوط بکمپانی و آن تجار نیست بجهت عموم تجار فقط فروش رافع میشود باین دلیل که عرض کردم بنده باین اجازه یعنی انحصار یعنی گذا کردن تجار گیلانی یا آن تجاری که تجارت فقط می کرده اند مخالفم و ابتدا صلاح نمی دانم اجازه داده شود .

**آقای سید حسن مدرس** - گویا فلت کرده اند بنده دودفعه اجازه خواستم اجازه داده نشد حاصل عراض بنده اینست که عراض بنده نه تصدیق کسی است نه تکذیب کسی عجالتاً تخطئه در حس خودمان نمیکنیم

و تاجرانیکه حق جریان دادن بکریع فقط را دارند بوجوب این دلایل ممکن نیست کمپانی نوبت بگذارند نفت وارد نمایند و تمام سرمایه خودشان را اثبات عدم شرکت با خارجه تجار داخله باید خرج نمایند باین دلیل عرض منیام نوبل است یعنی انحصار چرا بجهت اینکه در لایحه ذکر شده است که حق شرکت با تبعه خارجه نداشته باشند باین دلیل این بالطبع انحصار شد و اما اینکه میگویند بجهت تجار ضرری ندارد پس از آنکه چهار پنج نفر یاده نفر تاجر سرمایه دار ایران که با ثروت هستند و سالها تجارت نفت کرده اند و انبار های خیلی بزرگ ساخته اند و اینها وقتی که نتوانستند نفت وارد بکنند که آن سرمایه ها و آن انبارها بکلی نیست و نابود میشود بعلاوه آنها که عرض نشد نوبل درباری چند نفران ارزانیتر میفرشند چونکه تجار داخله باید کرایه بدهند از قرار باری چهار یادو قران و نوبل بتوسط لوله باری يك شاهی بلکه کمتر کرایه منظور نموده است برای خود پس باین دلایل نفت مونوپل شد و اگر فرض هیچ کرایه هم نگیرد آن وقت به کنت کوران (رقابت) میتواند تمام تجار را نیست و نابود نماید چون بجهت تجار داخله هیچ اختیاراتی ملاحظه نشده است و نوبل باری یکصد دینار کمتر اگر بفرشند بوجوب کنت کوران عمل را پیش خواهد برد آقای وزیر امور خارجه فرمودند بواسطه جریان نفت از لوله مناسب تر و فراوان تر میشود بوجوب دستور برای اسونرها و فابریکها و غیره ها که هنوز کارخانه وارد نکرده ایم بجهت موتو و فابریکها و غیره هر وقت ملت یا دولت وارد نمود سوخت و سور آن با آن جنگلهای دولت و معادن نفت ایران و فغال سنگ و همه غیره چه ملاحظه در بین است که دوسال صد ها هزار تومان برای خاطر کمپانی نوبل بملت ایران باید خسارت وارد شود باینجهت است که بنده با این لایحه مخالف هستم معین است که چه حالی پیدا خواهند کرد آن تجار داخله بآن ترتیبات و شما حالا میفرمایید که يك تفاوت پیدا کرده است در چلیکهای نفت که در هر وقتیکه با چلیک بیآورند او خورده میشود خیر از باکو در صندوق حمل نمیکند فقط همیشه میریزند در انبار کشتیها و آنجا هم هفتاد هزار یوط صد هزار یوط با تلمبه میریزند در رزروا و از رزروا هر جا بخواهند نفت میآورند پس چلیک نفت نیست که ضرر وارد شود فقط چلیک را از رشت با اینجا خواهند آورد و خسارت از رشت باین صرف است .

کمپانی هم از رشت چلیک درست میکنند و از آنجا حمل میکنند بقزوین و غیره و در راه اگر خورد میشود آن مربوط بکمپانی و آن تجار نیست بجهت عموم تجار فقط فروش رافع میشود باین دلیل که عرض کردم بنده باین اجازه یعنی انحصار یعنی گذا کردن تجار گیلانی یا آن تجاری که تجارت فقط می کرده اند مخالفم و ابتدا صلاح نمی دانم اجازه داده شود .

**آقای سید حسن مدرس** - گویا فلت کرده اند بنده دودفعه اجازه خواستم اجازه داده نشد حاصل عراض بنده اینست که عراض بنده نه تصدیق کسی است نه تکذیب کسی عجالتاً تخطئه در حس خودمان نمیکنیم

و تاجرانیکه حق جریان دادن بکریع فقط را دارند بوجوب این دلایل ممکن نیست کمپانی نوبت بگذارند نفت وارد نمایند و تمام سرمایه خودشان را اثبات عدم شرکت با خارجه تجار داخله باید خرج نمایند باین دلیل عرض منیام نوبل است یعنی انحصار چرا بجهت اینکه در لایحه ذکر شده است که حق شرکت با تبعه خارجه نداشته باشند باین دلیل این بالطبع انحصار شد و اما اینکه میگویند بجهت تجار ضرری ندارد پس از آنکه چهار پنج نفر یاده نفر تاجر سرمایه دار ایران که با ثروت هستند و سالها تجارت نفت کرده اند و انبار های خیلی بزرگ ساخته اند و اینها وقتی که نتوانستند نفت وارد بکنند که آن سرمایه ها و آن انبارها بکلی نیست و نابود میشود بعلاوه آنها که عرض نشد نوبل درباری چند نفران ارزانیتر میفرشند چونکه تجار داخله باید کرایه بدهند از قرار باری چهار یادو قران و نوبل بتوسط لوله باری يك شاهی بلکه کمتر کرایه منظور نموده است برای خود پس باین دلایل نفت مونوپل شد و اگر فرض هیچ کرایه هم نگیرد آن وقت به کنت کوران (رقابت) میتواند تمام تجار را نیست و نابود نماید چون بجهت تجار داخله هیچ اختیاراتی ملاحظه نشده است و نوبل باری یکصد دینار کمتر اگر بفرشند بوجوب کنت کوران عمل را پیش خواهد برد آقای وزیر امور خارجه فرمودند بواسطه جریان نفت از لوله مناسب تر و فراوان تر میشود بوجوب دستور برای اسونرها و فابریکها و غیره ها که هنوز کارخانه وارد نکرده ایم بجهت موتو و فابریکها و غیره هر وقت ملت یا دولت وارد نمود سوخت و سور آن با آن جنگلهای دولت و معادن نفت ایران و فغال سنگ و همه غیره چه ملاحظه در بین است که دوسال صد ها هزار تومان برای خاطر کمپانی نوبل بملت ایران باید خسارت وارد شود باینجهت است که بنده با این لایحه مخالف هستم معین است که چه حالی پیدا خواهند کرد آن تجار داخله بآن ترتیبات و شما حالا میفرمایید که يك تفاوت پیدا کرده است در چلیکهای نفت که در هر وقتیکه با چلیک بیآورند او خورده میشود خیر از باکو در صندوق حمل نمیکند فقط همیشه میریزند در انبار کشتیها و آنجا هم هفتاد هزار یوط صد هزار یوط با تلمبه میریزند در رزروا و از رزروا هر جا بخواهند نفت میآورند پس چلیک نفت نیست که ضرر وارد شود فقط چلیک را از رشت با اینجا خواهند آورد و خسارت از رشت باین صرف است .

هر چه هم بفرمائید قانع نمیشوم خیلی ضرر در این لایحه وارد است لکن چون در پروگرام هیئت وزراء بجهت اطمینانیکه به هیئت وزرای خودمان داریم يك ماده را قبول کردیم و آن راجع بود بحسن ارتباط با خارجه که وزرا از اینجهت آنچه در این مسئله صلاح دیده اند ما را قبول است برای حسن اعتمادیکه بآنها داریم و لکن باید ملاحظه فرمائید که حسن ارتباط يك طرفی نباشد محض این عرض کردم .

**رئیس** - حالا مذاکرات کافی است ( کسی مخالف نیست) با ختم مذاکرات اظهاری نشد رای میگیریم داخل در مواد شویم یا نشویم دو باره عرض میکنم آقایانیکه تصویب میکنند که داخل در مواد شویم قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند) تصویب شد چنانچه عرض کردم دو فقره لایحه در این باب نوشته شده است یکی از کمیسیون فوائد عامه است و یکی را مخبر کمیسیون خارجه نوشته اند برای اینکه در کمیسیون فوائد عامه نوشته شده بود ماده بندیش درست نبود از قراریکه مخبر کمیسیون فوائد عامه ببنده اطلاع دادند آقای وزیر امور خارجه آن لایحه کمیسیون خارجه را قبول کرده اند اینست که از روی همان لایحه میخوانیم و رای میگیریم ( لایحه مزبور بعبارت ذیل قرائت شد )

ماده اول - از طرف دولت علیه پیرادران نوبل اجازه داده میشود که از کنار بندر بیچار خالد لوله آهنی برای جریان فقط بطول یک فرسخ مستقیماً تاراه شوسه بازار و هشت کشیده در محل موسم بکرما کو تا کنار شهر رشت لوله را متواتری باره کنار راه عبور داده بانبار اداره نوبل کنار شهر رشت وارد نمایند توضیح آنکه کلیه مسافتی که بطول آن لوله کشیده میشود دو فرسخ تا منتهی خواهد بود .

ماده ۲ - برادران نوبل برای اوله کشیدن لوله از صاحبان املاک

دهنه پره بازار الی رشت داده و تاجر داخله کرایه حمل نفط خود راز همان قرار بداره نوبل خواهند پرداخت .

ماده ۷ - دهنه لوله که اداره نوبل خواهد کشید ۲ گره ونیم خواهد بود .

ماده ۸ - مستحفظی لوله مزبور با مالکین اراضی است و مستحفظین تماماً اتباع دولت علیه خواهند بود و حقون مستحفظین از کمیانی نوبل رضایت آنان ادا خواهد شد .

ماده ۹ - اداره نوبل نمیتواند بهیچ اسم و رسم بعنوان خسارت لوله یا غیر آن از صاحبان اراضی یا اولیای دولت علیه ایران ادعای خسارتی بنماید و هر گاه اختلافی مابین کمیانی نوبل و صاحبان اراضی با مستحفظین لوله روی بدهد تسویه آن در کارگذاری خواهد شد و کمیانی نوبل حق هیچ تعرضی مستقیماً بآنها نخواهد داشت .

ماده ۱۰ - این اجازه بهیچوجه شامل انحصار نیست و دولت علیه میتواند بهر کسی بخواهد اجازه تجدید لوله برای نفط بدهد .

رئیس - ماده اول مجدداً قرائت میشود (مجدداً ماده مزبور قرائت شد )

رئیس - در ماده اول کسی مخالف نیست . **حاج شیخعلی** - بنده مخالفم با این که موادیکه در کمیسیون خارجه نوشته شده است خوانده شود برای اینکه ما آن را بپورت را نداریم و مطالعات خودمان را در آن نکرده ایم .

رئیس - موقمش گذشت همان رفتی عرض کردم میخواستید اگر مخالف بودید آن وقت که گفته شد اظهار کنید .

**حاج شیخعلی** - آن وقت فرمودید مردو رامیخوانیم .

رئیس - بیکرا طبع کرده اند و بشما داده اند اینرا که طبع نکرده اند باید بخوانیم در ماده اول دیگر مخالفی نیست یک مرتبه دیگر بخوانند (خوانده شد ) .

**هشمرودی** - بنده میخواستم عرض کنم که یک پیشنهادی شده است و پنج نفر امضاء کرده اند که باور فرمای بگیری .

رئیس - آن در کلیات است که باید با ورقه رای گرفت در مواد که نمیشود همه را با ورقه رای گرفت برای اطلاع خاطر آقایان عرض میکنم که عده کافی ( ۶۴ ) نفر است و همین عده که حاضر است ( ۶۴ ) نفر است و اگر یکی از آقایان خارج شوند نمیتوانیم رای بگیریم دیگر مخالفی نیست؟

**ادیب التجار** - بنده پیشنهادی کرده ام (بعضون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم بعد ازالی ابتدای شهر رشت نوشته شود و منتهی الیه لوله و انبار نفط در خارج از شهر رشت باشد .

**متین السلطنه** - پیشنهادی که آقای ادیب التجار کرده اند در لایحه اگر ملاحظه فرمایند خواهند دید که نوشته است از کنار شهر رشت وارد نمایند و قبیکه نوشته است از کنار شهر رشت معلوم میشود در خارج شهر رشت است .

**رئیس** - کمیسیون فوائد عامه این اصلاح را قبول دارد یا ندارد .  
**افتخار الواعظین** - مخبر کمیسیون فوائد عامه - همینطوری که آقای متین السلطنه فرمودند مرادشان اینست که انبار در خارج شهر رشت خواهد بود و در لایحه همینطور نوشته است .

**رئیس** - پس قبول ندارید باید رای بگیریم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( اغلب قیام نکردند ) .

معلوم میشود که قابل توجه نشد رای میگیریم بماده اول بترتیبیکه قرائت شد آقایانیکه تصویبی کنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند ) با کشریت ( ۳۶ ) رای از ۶۴ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد .  
ماده دوم - برادران نوبل برای کشیدن لوله از صاحبان املاک اراضی لازمه را برض بکنند که نیز محل اینبه و انبار را که برای اینکار لازم است با اطلاع و تصویب اولیای دولت علیه و رضایت صاحبان اراضی برای یکمدتی که زیاده از پانزده سال نباشد اجازه خواهند کرد .

**کاشف** - اینجا بنده توضیحی میخواستم از آقایان که اینبه نوشته است و رضایت صاحبان اراضی اگر یک شخصی راضی نشد آیا او را مجبور خواهند کرد یا خیر و در صورتیکه مجبور نکنند اینها چه خواهند کرد .

**وزیر امور خارجه** - معلوم که دولت این اجازه را بشرط رضایت صاحبان املاک می دهد اگر آنها راضی نباشند این اجازه نخواهد بود .

**حاج عز الممالک** - اینجا کلیه اینبه که نوشته شده است بنده توضیح میگویم که کمیانی برای اینکار غیر از انبار فقط چیز دیگری لازم ندارد و کلمات زیادی وقتی نوشته شود اسباب زحمت خواهد شد غیر از کلمه انبار فقط چیز دیگری لازم ندارد

**افتخار الواعظین** - مراد از این اینبه اطاق های چوبی است که کمیانی خواهد ساخت در عرض این دو فرسخ برای محافظت این لوله در کمیسیون خارجه و فوائد عامه مصلحت دانستیم که محافظت لوله با خود مالکین باشد و آنها آدم بگذارند برای مستحفظی لوله را محافظت بکنند که اداره کمیانی نوبل بهیچوجه حق مطالبه خسارت لوله نفت را نداشته باشد باینجه کلمه اینبه در اینجا نوشته شده است و مراد آن اطاق های چوبی است که برای مستحفظین ساخته میشود .

**حاج عز الممالک** - بنده مخصوصاً با همین مسئله مخالف هستم بجهت اینکه یک چنین چیزی هم در اجازه نامه کمیانی طرف جنوب شرط شده است و این اسباب این شده است که هر روز میگویند ما اینبه نداریم در صورتیکه این مسئله محدود است و فقط یک لوله نفتی از انزلی برشت باید کشیده شود دیگر اطاق های چوبی برای مستحفظین لازم ندارد دولت ایران خودش حفظ آنها را خواهد کرد

**رئیس** - دو فقره پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای ادیب التجار یکی هم از طرف آقای حاج عز الممالک هر دو قرائت میشود و رای میگیریم (پیشنهاد ادیب التجار بدین مضمون قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم در ضمن جمله و رضایت

بطریق ذیل نوشته شود و رضایت صاحبان اراضی باشد باشند کتبی بامضای طرفین و مهر کارگذاری **رئیس** - وزراء قبول دارند .

**وزیر امور خارجه** - مسلم است رضایت که معلوم شد البته سند کتبی هم خواهند داد و کارگذاری هم مهر خواهد کرد .

**رئیس** - پس همینطور معلوم میشود قبول دارید دیگر لازم نیست در قابل توجه بودنش رای بگیریم پیشنهاد آقای حاج عز الممالک خوانده میشود (باین مضمون قرائت شد ) :

بنده پیشنهاد میکنم کلمه اینبه در ماده دوم حذف شده و در بقیه رای گرفته شود .

**افتخار الواعظین** - ابتدا پیشنهادی که شده بود بنا بود مستحفظین لوله بخواهش کمیانی بادلک ایران باشد ولی کمیسیون فوائد عامه و خود وزارت امور خارجه مصلحت ندانستند که محافظت با خود دولت باشد و برای اینکه اداره کمیانی بهیچوجه حق مطالبه خسارت از مالکین و غیره نداشته باشد گفتند چه ضرر دارد که برای یک لوله آهنی کدو فرسخ طول دارد اطاق های چوبی برای مستحفظین ساخته شود و مراد از این اینبه همان چوبی است و اگر آقایان بخواهند واضح تر باشد توضیح شود که اینبه چوبی مستحفظین ساخته خواهد شد .

**رئیس** - باید در قابل توجه بودن اصلاح آقای عز الممالک رای بگیریم که لفظ اینبه برداشته شود یا خیر **حاج عز الممالک** - مقصود بنده اینست که لفظ انبار چون هست همان باقی باشد و زائد بر آن چیزی نباشد .

**رئیس** - رای میگیریم قابل توجه بودن اصلاح آقای حاج عز الممالک آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند معدودی قیام کردند ( **رئیس** - قابل توجه نشد )

**رئیس** - رای میگیریم در ماده دوم بآن ترتیبی که خوانده شد یک مرتبه دیگر خوانده می شود . ( مجدداً ماده مزبوره خوانده شد )

**حاج سید ابراهیم** - این اصلاح آقای مخبر کمیسیون فوائد عامه که اینبه چوبی برای مستحفظین است خوب است قید کنند و بدون آن اصلاح مجمل است

**متین السلطنه** - از اظهاراتیکه میشود چوبی معلوم میشود که اذهان قدری مشوب است و این بواسطه بعضی اجازه ها است که سابقاً داده شده بود و از آن اجازه ها سوء استفاده کرده اند در صورتیکه در این اجازه بهیچوجه مصداق خارجی ندارد این جا گفته شده است که اراضی برضایت طرفین اجازه داده میشود چنانچه توضیح داده شد و آقای وزیر امور خارجه هم توضیح دادند که اراضی از صاحبان املاک اجازه میشود و مستحفظی را هم در ضمن اجازه بدهد همین مالکین قرار داده و واگذارده اند و اینستکه زمینش را اجازه میدهد میدانند که یک وظیفه دیگری هم که حفظ این لوله باشد با اوست و مخارج این مستحفظ هم بعهده اوست و این اسباب این میشود که یک مخارج برای مستحفظین بعهده دولت وارد نیاید بهتر است و آنوقت آن اشخاص لازم است که برای محافظت لوله در بعضی نقاط راه بعضی

اینبه چوبی بنمایند و این اینبه درست است که این جا نوشته شده است که این اینبه با آنها واگذار میشود ولی این دلیل نمیشود که در تمام این راه بناها خواهند کرد و مسلم است که دیواره اطراف چوبی لازم است و خواهند ساخت و این اهمیتیتی ندارد اینستکه محل انبار را علیحده قید کرده است برای اینستکه این اطفاها را چوبی میتوان ساخت این محل انبار را نمیشود چوبی ساخت .

**رئیس** - مذاکرات کافی است رای میگیریم بماده دوم بطوریکه خواننده شد آقایانیکه ماده دوم را باین طریقی که خواننده شد تصویب میکنند قیام نمایند ( بعضی قیام کردند بعضی نکردند )

**رئیس** - تصویب نشد یعنی نصف باینطرف رای دادند نصف بآنطرف ماده سوم را بخوانید (ماده سوم قرائت شد )

**کاشف** - هر اجازه و امتیازی همیشه شرط است که پس از انقضای مدت آنچه کمیانی خرج کرده و آن اینبه و لوله که درست کرده آن لوله و اینبه را بدولت واگذار میکنند حالا اینجا نوشته است خواهد داشت در این صورت هیچ استفاده برای دولت نیست و بنده باینجه مخالفم

**وزیر امور خارجه** - در خصوص اینبه لوله ها را بدولت بدهند مذاکرات شده است کمیانی گفته است اگر انحصار بدهند لوله ها را خواهیم داد یعنی حاضریم که پس از ۱۵ سال لوله و انبار را بدولت بدهیم ولی در صورتیکه انحصار نباشد نباید بدولت واگذار شود .

**ادیب التجار** - بنده هم مخالفم عقیده ام اینستکه بعد از ۱۵ سال لوله و سایر اشیاء آن متعلق بدولت باشد و اما در صورتی که وزیر امور خارجه میفرمایند که او مدعی است بر اینکه در صورتی که انحصار باو داده بشود مال خود اوست تصریح شود باینکه بعد از برداشتن لوله ها تعمیر و تسطیح راه بعهده برادران نوبل باشد و در اینخصوص پیشنهاد نموده ام .

**افتخار الواعظین** - اول لوله ها از کنار راه عبور میکنند نه از وسط راه و بعد هم راه مال خودشان است گفتگو شد که پس از ۱۵ سال تمام لوله و آن چیزیکه میسازد واگذار کند بدولت در صورتیکه انحصار بدهند در مدت ۱۵ سال و آنها هم قبول میکردند لکن کمیسیون خارجه و کمیسیون فوائد عامه مصلحت ندانستند که دولت انحصار بدهد که بعد از این دولت میتواند بدیگری اجازه بدهد و در آن اجازه هم اسباب رفاهیت و آسایش ملت باشد و اسباب تسهیل تجارت باشد .

**ارباب کبخسرو** - اینجا اینستکه نمیتواند را من نمیفهم چه است اگر بدولت واگذار میکنند که باید این کلمه را بردارند بجهت اینکه این کلمه ممکن است وقتی برای دولت تولید اشکال بکند و اگر پس از انقضاء ۱۵ سال باید بردارد دیگر لفظ می تواند غلط است باید عوض این کلمه نوشته شود (باید بردارد) و اگر متعلق بدولت است آن شکل دیگر دارد و اینستکه آقای افتخار الواعظین فرمودند راه متعلق بخودشان است صحیح است ولی هیچ فراموش نکنند که راه باید شرایطی بخودشان

است که راه را بطور صحت و خوبی باید نگاهدارند که عبور و مرور بر یکمال راحتی شود .  
**متین السلطنه** - در اینجا گویا می توانند مخصوصاً بهتزاز کلمه باید میباشد زیرا شاید کمیانی نوبل بخواهد واگذار بدولت کند یا بفروشد بکسی دیگر آنوقت این کلمه باید مانع خواهد بود بمالوه بعد از پانزده سال آن یک رشته لوله است که ممکن است دولت یا ملت بخرد و از او انتفاع ببرد باین ترتیب این کلمه باید او را بکلی از انتفاع میاندارد و اینستکه گفته میشود راه را خراب بکنند راه را خراب نمیکند چنانچه اگر ماده اول را ملاحظه فرموده باشند و از بیچاره می خالده کرده اوشه است تا کناره رشت بطور متوازی با خط سوسه می آید یعنی از پهلوی او می آید نه از خود راه شوشه .

**رئیس** - مذاکرات در ماده سوم کافی نیست ؟ (بعضی اظهار کردند خیر )  
**حاج سید ابراهیم** - در این نسخه که طبع شده است و بن هم داده اند محدود کرده است این اجازه را پانزده سال آنوقت در آخر ماده که می نویسد بعد از انقضاء هم بکند یعنی هر وقت دلش میخواهد بردارد و هر وقت نمخواهد بردارد و این مخالف با تجدید اولی است که پانزده سال معین شده و این صحیح نیست .  
**حاج وکیل الرعایا** - باید در اینجا مخالف با صرفه ما است زیرا یک چیزی را برای اینکه شروع با بادی مملکت ما میکند آنرا می آورند میگذارند اینجا اما اینکه بنویسیم که بعد از پانزده سال باید بردارند تصور میکنم که قدری دقت نشده باشد چون ممکن است بعد از پانزده سال این چیزیکه دارد و حالا ما بنویسیم باید بردارد بخواهد حراج کند و تبه ایران بخرد یا بدولت واگذار کند یا اینکه ممکن است خودش بوجوب یک اجازه ثانوی دایر کند پس مالکله باید راناید اینجا استعمال کنیم و من میتوانم پیش از اینها که برای ما فائده می شمارند عرض کنم و اینستکه گفته میشود آنرا را خراب نمیکند لازم میدانم عرض کنم که یک مقداری وقت لازم است راه را اگر خراب کنند مملکت را در عرض آباد میکنند یک مثلی اینجا بزمن در سابق یک کسیکه از اینجا میخواست برود حضرت عبدالعظیم ناچار بود که اگر بخواهد باین راحتی برود یک تومان بدهد ولی حالا پانزده قسمت در کیسه کیست معلوم است در کیسه اهالی است و بعضی خیال میکردند که آن الاغ هاییکار میدانند در صورتیکه می بینیم که هم کرایه گرانتر شده و هم قیمت الاغها بالا رفته است پس اینها یک وقتی میخواست یک نظر طولانی باید مابست خودمان مملکت خودمان را آباد کنیم نه اینکه مانع آبادی بشویم

**محمد هاشم میرزا** - در لفظ می توانند آقایان تغییراتی فرمایند اگر باید نوشته شود هیچ ایرادی نیست و هیچ جلوگیری از او ندارد صاحب اجازه پس از انقضاء مدت بدولت باید یک نخواهد کرد ما امتداد لوله را در حال جریان باو واگذار کرده ایم در مدت پانزده سال ولی اگر لفظ می تواند باشد آنوقت اینطور میدهد که ممکن است

بعد از پانزده سال نفط جاری نکنند چون از موقع اجاره او گذشته است و ما هم هیچ حق نداشته باشیم بگوئیم که او بردارد بجهت اینکه بواسطه این لفظ میتواند مدت برداشتن او را معین نکرده ایم و او میتواند تا پنجاه سال دیگر اگر نخواهد بر ندارد در صورتیکه شاید مصلحت وقت یادولت برداشتن آن باشد و اگر تعیین مدت نشود بنده بکلی مخالفم و عقیده بنده اینست که باید نوشته شود که بعد از پانزده سال لوله را بردارد یا واگذار کند یا بتصویب دولت بدیگری انتقال نماید همینطور هم پیشنهاد خواهیم کرد .

**رئیس** - گویا مذاکرات در این ماده کافی است دو فقره پیشنهاد از طرف آقای ارباب کبخسرو و آقای سید ابراهیم شده است قرائت میشود . پیشنهاد ارباب کبخسرو عبارت ذیل قرائت شد . بنده پیشنهاد میکنم در ماده دو بجای کلمه میتوانند باید نوشته شود و ضمناً قید شود مگر در موقعی که با اجازه دولت بدیگری انتقال یابد .

**ارباب کبخسرو** - مقصود بنده این است که با این حدیکه معین کرده اند که مدت این اجازه پانزده سال است با میتواند منافی است و بجای می تواند کلمه باید استعمال شود .

**رئیس** - این مسئله توضیح شد قسمت دوم را توضیح بدهید .

**ارباب کبخسرو** - مسئله دوم این است که در صورتیکه کلمه میتواند ردی شد و باید نوشته شد آنوقت بتواند بعد از پانزده سال معین آن یولها را بدولت یا بدیگری انتقال نماید .

**رئیس** - آقایان وزراء این پیشنهاد را قبول دارند .

**وزیر امور خارجه** - ضرری ندارد .  
**رئیس** - در صورتیکه وزراء قبول می کنند دیگر محتاج برای نیست پیشنهاد حاج سید ابراهیم خوانده میشود ( ببیانات ذیل قرائت شد ) بنده پیشنهاد میکنم اینجمله اضافه شود - در صورتی که لوله ممتده و اشیاء آنرا اداره نوبل نخواهد بردارد متعلق بدولت خواهد بود .

**حاج سید ابراهیم** - در صورتیکه کلمه بابدرا قبول کرد بنده پیشنهاد خودم را مسترد می دارم .

**رئیس** - پس رای میگیریم بماده سوم با اصلاحی که آقای ارباب پیشنهاد کردند و از طرف آقایان وزراء قبول شد آقایانیکه تصویب میکنند ماده سوم را باین ترتیب قیام نمایند ( اغلب قیام کردند )

**رئیس** - با کشریت ۴۴ رای تصویب شد مجدداً ماده چهارم خوانده شد .

**رئیس** - آقای حاج عز الممالک اصلاحی پیشنهاد کرده اید راجع بکدام ماده است .

**حاج عز الممالک** - محل آن گذشت .  
**دکتر حاج رضا خان** - بلی اینجا مقید کرده است که این نفتی که از این لوله وارد می شود تجار داخله حق دارند که ربع آنرا وارد کنند بنده در شور کلی هم اشاره کردم و آقای وزیر امور خارجه هم چیزی فرمودند از این عبارت

چنین معلوم میشود که ربع از مجری داده میشود و بقیه بنده باید يك ربع از زمان داده شود حالا از این عبارت درست معلوم نمیشود که کدام يك مقصود است تا این که آن نظر مخالفی که هست برداشته شود مثلا يك ربع نطفی که وارد میشود حق تجار نطفه داخله است و بیشتر با تابع داخله حق داده نمیشود و همیشه اداره نوبل نطفش سه مقابل خواهد بود و نطفه اتباع داخله هیچوقت زائد نمیشود و وقتی که تجار تبعه داخله يك ربع از نطفه اداره نوبل را داشتند اگر در این موقع نخریدند و برساند آنوقت يك ربع نطفه تجار داخله خواهند داشت و سه ربع کمپانی خواهد داشت آنوقت میتوانیم بگوئیم همانطوریکه بعضی از آقایان هم گفتند که اگر تجار داخله نطفه را بوقع نخریدند و نتوانستند برسانند شاید يك ربع را هم نخواهند داشت اگر مقصودشان اینست که بنده عرض کردم قبول و پیشنهاد کردم قبول نفرمایند و الا توضیح بدهند تا پیشنهاد خود را پس بگیریم.

**وزیر امور خارجه** - بنده گمان میکنم که همین مطلب صحیح است بجهة اینکه در خود لوله يك ربع را معین کرده این از روی زمان است یعنی وقتی که بنده یک ربع از سه ربع را تقسیم کنند معلوم است از روی زمان تقسیم خواهند کرد یا بنظر کسی که روز کمپانی نطفه میریزد و یک ربع از آن را میبرد.

**آقای سید حسن مدرس** - مراد ظاهراً همین است که سه قسمت را از حیث زمان کمپانی نطفه وارد کند و يك قسمت را از تجار و اتباع داخله ولی عبارت گویا مفادش اینست که خمس حق اتباع داخله است حالا این عبارت قدری مبهم است لازم است توضیح شود چون وقتی که گفتیم که ربع کمپانی داشته باشد يك ربع اتباع داخله نتیجه همانرا میدهد و مراد هم معلوم است لکن عبارت قدری اجمال دارد.

**افتخار الواعظین** - مراد از این ماده این است که در هر هفته یا در روز فرقی ندارد یا در هر ۴ ساعت که نطفه در لوله هاجریان دارد يك ربعش متعلق است به تجار داخله مراد این است که مثلا تقسیم میکنند ساعت هفته را بچهار قسمت و يك قسمت متعلق میشود بتجار داخله و سه قسمت بکمپانی نوبل متعلق خواهد بود مراد اینست که عبارت واضح نیست خوبست يك عبارت واضحتری پیشنهاد کنند آنطور نوشته شود.

**رئیس** - پیشنهادی از طرف حاج عزالمالک و دکتر حاج رضا خان شده است قرائت میشود و رأی میگیریم پیشنهاد حاج عزالمالک بعبارت ذیل خوانده شد.

در ماده چهارم تعیین يك ربع در هفته نوشته شود در هر هفته چهل و دو ساعت برای تجار نطفه اتباع داخله هم جریان دهد.

**رئیس** - مقصودشان اینست که در هفته چهل و دو ساعت برای اتباع داخله نفت جاری کنند پیشنهاد دکتر حاج رضا خان بعبارت ذیل قرائت شد ( این بنده پیشنهاد میکنم ماده ( ۴ ) بطریق ذیل نوشته شود.

ماده ( ۴ ) در هر چهار شبانه روز يك شبانه

روز اداره نوبل باید حق جریان نفت را از لوله باتابع داخله بدهد مشروط بر آنکه الی آخر ماده **معزز الملک** - بنده تصور میکنم همان طوریکه اینجا نوشته شده است بهتر است منفعت تجار داخلی ما در این است بلی اگر ما تصور می کردیم کلبه تجار داخلی ما نطفه زیادتر از يك ربع نطفه که از خارج وارد میکنند وارد میکردند ضرر داشت ولی در صورتیکه اداره نوبل استثناء میکنند تجار تبعه داخله را از کلبه نطفه که بتوسط اتباع خارجه وارد میشود در این صورت عیب ندارد چون البته غیر از نوبل اتباع خارجه هم نطفه وارد میکنند ولی اتباع داخله دو سه تجار تبعه بیشتر نیست که نفت وارد کند پس قسمت آن ها از یک ربع کمتر خواهد بود و باید تصور کرد که نوبل عمداً لوله خودش را خالی نخواهد گذاشت همیشه نطفه وارد میکند و آن چه نفت وارد میکند يك ربعش را تجار داخله حق دارند عبور بدهند و اگر اینطور نباشد روز های معینی را خواهند معین کرد و خواهند گفت فلان روز ها نوبت شما است آن وقت ممکن است روزی که نوبت تجار داخله است نفت آن ها وارد نشود و این يك ضرری است که بآنها وارد خواهد آمد و چنانچه در آن روز معین نفت آن ها نرسد بدیهی است يك روز دیگر بعوض آن روز بآن ها نخواهند داد پس اینطور که نوشته شده بهتر است و باین ملاحظه بنده جلب توجه آقایان را می کنم باینکه همین ترتیب که نوشته شده است بهتر است و نزدیک تر است بصره تا اینکه نوشته شود در چهار روز يك روز حق تجار تبعه داخله باشد

**دکتر حاج رضا خان** - بنده تعجب میکنم از آقای معزز الملک آنوقتیکه بنده مخالفت میکردم گویا گوش ندادند بنده عرض کردم وقتیکه يك ربع از نطفه نوبل حق تجار داخله باشد باید تجار مواظب باشند که او چقدر نطفه دارد و آنها هم يك ربع از آن مقدار را همیشه حاضر داشته باشند یعنی هر مقدار که او جاری میکند از لوله اینها هم يك ربع آنرا جریان دهند و این يك چیز خیلی غریبی است ما از طرف تجار هم داریم قیومیت میکنیم که اگر آنها نتوانستند در آن روز معین نطفه وارد کنند آن وقت بآنها ضرر وارد میاید اگر بطور امکان است ممکن است برای نوبل هم بعضی اتفاقات بیفتد که نتوانند نطفه وارد کنند با احتمال که نمیشود حکم کرد و حتماً چون تجار این ترتیب را میدانند ربع نوبل را خواهند داشت بلکه احتمال میرود که اضافه بر يك ربع هم جریان دهند و باین ترتیب که عرض میکنم اگر نوشته میشود عبارت از ابهام خارج میشود و آقای وزیر امور خارجه هم که قبول کردند نمیدانم علت مخالفت ایشان چیست با این ترتیب وجه اشکالی بنظرشان رسیده است که در این ترتیب ممکن است پیش بیاید

**وزیر امور خارجه** - بنده گمان میکنم يك ترتیب دیگری اگر بنویسیم عبارت را بهتر است خوبست وقتیکه میتوانیم يك ربع نطفه را برای تجار داخله قرار میدهند بنویسیم کیفیت تقسیم آن يك ربع را تجار و اداره نوبل بین خودشان قرار خواهند گذارد و در این جزئیات اینجا داخل نشویم.

**رئیس** - رأی میگیریم در پیشنهاد حاج عزالمالک حاج عزالمالک بنده پیشنهاد خود را مسترد میدارم.

**دکتر حاج رضا خان** - بنده هم پیشنهاد خود را مسترد میدارم.

**حاج سید ابراهیم** - بلی عبارت از آن ابهام بیرون نیامد باز معلوم میشود که هر چه در ایام هفته دلشان میخواهد جریان بدهند اینکه سه قسمت آنها داشته باشند و يك قسمت تبعه داخله این مقصود معلوم بود ولی عبارت ابهام داشت باید توضیح شود.

**رئیس** - خوب است هر چه بنظرتان میرسد بنویسید بدهید رأی بگیریم پیشنهادی است از آقای مدرس قرائت میشود.

( بعبارت ذیل قرائت شد ) بنده پیشنهاد میکنم در هر هفته اداره نوبل باید يك ثلث از آن مقدار نطفه را که برای خود وارد برشت مینماید برای تجار نطفه اتباع داخله .

**رئیس** - آقای مدرس پیشنهاد خودتان را توضیح بدهید .

**آقای مدرس** - توضیح اینست که يك ثلث از آنچه خودش وارد میکند تجار تبعه داخله جاری نمایند که سه ثلث هم خود او وارد مینماید آنوقت سهم تجار يك ربع میشود .

**دکتر حاج رضا خان** - گویا مقصود بنده درست معلوم نشده است مقصود آقای وزیر امور خارجه هم حاصل نشده است مقصود این بود که حق مجری پیدا بکنند بجهت اینکه در صورتیکه شما مینویسید که يك ثلث از مقدار نطفی که او وارد میکند ممکن است یک هفته نطفه او وارد شود و نطفه تجار داخله حاضر باشد و در این صورت تجار نمیتوانند نطفه خودشان را عبور بدهند و این يك ضرری است بتجار داخله و باید همیشه منتظر باشند که ببینند چقدر نطفه اداره نوبل وارد میکند و هر وقت وارد کرد بمقداری که او عبور میدهد تجار داخله ثبت آنرا عبور بدهند و گویا مقصود آقای وزیر امور خارجه هم همین بوده است که فرمودند بین خودشان ترتیبی قرار بدهند.

**رئیس** - عجالتاً يك ربع نطفه است و در موقع تنفس کمیسیون بيك ترتیبی ماده را بنویسند که وقتان تلف نشود ( مجدداً جلسه در ساعت شش و ربع از شب گذشته منعقد شد .

**رئیس** - آقای حاج عزالمالک شما پیشنهاد خودتان را مسترد میدارید ؟

**حاج عزالمالک** - بلی بنده مسترد میدارم .

**رئیس** - آقایان مدرس و آقای معزز - الملک و آقای سید ابراهیم پیشنهاد های خودتان را مسترد میدارید؟ (گفتند بلی پیشنهاد خودمان را مسترد میکنیم )

**رئیس** - این ماده دوم مرتبه خوانده میشود و رأی میگیریم ( مجدداً ماده چهارم خوانده شد )

**رئیس** - رأی میگیریم بماده چهارم بترتیبی که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند ماده چهارم را به ترتیبی که قرائت شد قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت ۳۷ رأی تصویب شد ماده پنجم را بخوانید ( مجدداً ماده پنجم قرائت شد )

**ادیب التجار** - آنقدر را بنده خوب نمیدانم که نوشته است مخصوصاً که تجار نطفه فروش باشند بلکه هر کس که اینکار را میخواهد بکند شاید يك قیدی باو بیفزایند و يك اشکالی تراشند که شما نطفه فروش نیستید و در عرض سال دو دفعه سه دفعه نطفه وارد کردهاید و این اندازه از آزادی تجارت را این قید میگیرد و گمان میکنم که وزیر امور خارجه و سایر وزراء با آن مقصودی که در رفاه حال تجار و ترویج تجارت دارند تصدیق بکنند این قید را .

**وزیر امور خارجه** - ضرر ندارد تجار مطلق نوشته شود.

**رئیس** - آقای وزیر امور خارجه پیشنهاد ادیب التجار را قبول کردند رأی میگیریم بماده پنجم با همین اصلاح آقای ادیب التجار آقایانی که این ماده را بطریقی که خوانده شد با اصلاح آقای ادیب التجار تصویب میکنند قیام نمایند ( اکثر نمایندگان قیام نمودند )

بخواهیم باو نسبت بدهیم شاید مخالف با آنقدر صرفه باشد که ما بخواهیم برای آتیه پیش بینی کرده باشیم برای اینکه در دریا موانع برای حمل کم است و با این وضعیکه پیش آمده است میدانم که چقدر اسباب حمل موجود است باوجود آن که بنده دیده ام که از مارسیل تا بغداد به سی و پنج شلینگ حمل میکند و يك وقت هم بیازده شلینگ حمل میکنند ترقی و تنزل ممکن است پس هیچوقت نمیتوانیم پیش بینی کنیم و نمی توانیم قیمت معین کنیم اگر بخواهیم ۳۵ شلینگ را ملاحظه کنیم این يك تعمیلی است که کرده ایم به تجار ایران کرده ایم اگر بخواهیم با نوزده شلینگ را ملاحظه کنیم يك چیزی است که دائمی نیست پس این رضایتی که در بین است خودش يك چیز خوبی است که میتواند خودش همیشه يك قیمت عادل را معین کند و عرض میکنم آنکسیکه این لوله را میکشد شاید بهین ملاحظه میکند که يك قدری تجارت نطفه شمال بهتر باشد و هیچ نفعی هم ندارد غیر از اینکه ارزانتر میشود دیگر آنکه هیچ راهی ندارد که ارزانتر تمام شود مگر اینکه ارزانتر وارد بشود و هر کس میگوید غیر از این راهی دارد يك سهو کوچکی نزد او شده است و از این نظر این لوله کشیده میشود و من قطع دارم که نظر در همین است و هیچ صلاح نمیدانم پیش بینی نشود و بنده گمان دارم که کرایه عادل را همین قدر کدر اینجا کنجانی دیدم کافیست و صرفه حال تجار است و اگر از خودشان هم بپرسند تصدیق خواهند کرد

**دکتر حاج رضا خان** - گویا آقای حاج و کیل الرعایا این ماده را درست ملاحظه نکردند اینجا مینویسد که کارگذار کیلان هر ماه باطلاع کمپانی نوبل تشخیص کرایه عادل و قوترا از دهنه پیره بازار الی رشت داده و تجار داخله کرایه حمل نطفه خود را از همانقرار با اداره نوبل خواهند پرداخت این همچو میماند که کرایه عادل از رشت نسبت بکاری ها - است که از دهنه پیره بازار تارشت هر چند منی چقدر ببرد و از روی آن يك قیمتی به بندند و بنده عرض میکنم اگر این میزان بدست کار گذار باشد تمام آن مواد بیفائده خواهد شد برای اینکه هیچوقت تجار داخله نائل نخواهند شد که نطفه وارد کنند و بفروشند برای آنکه کرایه مکاری به نطفی که تجار تبعه داخله وارد میکنند باین ترتیب اضافه میشود یعنی نطفه از لوله عبور میکند لکن همان کرایه مکاری را باید بدهد در این صورت مثل اینست که حق این يك ربع بآنها داده نشده است نطفی را که نوبل وارد میکند این کرایه را ندارد و ارزانتر بفروش میرود و تجار داخله نمیتوانند بآن ارزانی بفروشند اینست که اصلاً نطفه وارد نخواهند کرد و این مثل اینست که ما انحصار داده ایم فروش نطفه را با اداره نوبل کار گذار هم اگر باین نظر نباشد چه میزانی در دستش باشد کرایه عادل لوله را چه قسم معین بکند همان مثلی را که آقای حاج و کیل الرعایا زدند صحیح است لوله مثل ماشین است ماشین الاغ را مشت زدند از ایشان سؤال میکنم که اگر ماشین که در این يك فرسخ کشیده شد آنوقت باید همین پول را یعنی همین کرایه را که بالافی میدهند ماشین بدهند آیا باید صاحب ماشین بگوئیم که الاغی چقدر

**آقای شیخ اسدالله** - گویا آقای افتخار الواعظین گوش ندادند و با این اشکالاتی که منا کرده شد و ملتفت نشدند بیانات آقای دکتر حاج رضا خان را باز همان مطلب خودشان را که در این ماده هم نوشته شده تکرار فرمودند مطلب واضح است با این توضیح میگویند صحیح نیست بنده عرض میکنم صحیح هم هست برای اینکه میزانی که برای کرایه این جا میخوانند بسنجند نسبت بآن جاهم نیست که نطفه حمل و نقل میشود و شده است پس نسبت بهین لوله باید سنجید باینست بخارجی کشیده است باین لوله کشیده شده است يك قیمتی برای کرایه بندند که همیشه يك میزان باشد میخواهد تابستان باشد میخواهد زمستان

بخواهیم باو نسبت بدهیم باید بگیریم یا مثلا بگوئیم مال چقدر کرایه میگیرد برای حرکت فلان قدر نطفه همانرا باید کمپانی در مقابل جریان از لوله بگیرد اینطور نیست در يك چنین موقعی می آیند سرمایه که خرج این لوله کشی یا ساختن ماشین یا امثال آنها شده است حساب می کنند آن وقت يك میزانی از روی سرمایه معین می کنند مثلاً می ویند صدی بیست باید کمپانی بگیرد حالا هر چه ممکن است زیاد حساب کنیم میگوئیم صدی سی یا صدی پنجاه بگیرد ممکن است ولی نمیشود که بگوئیم باید همان کرایه که مال میگیرد اینهم بواسطه جریان از لوله بگیرد در این صورت بکلی آن مواد فوق بی حاصل خواهد بود و در واقع انحصار داده خواهد شد يك گویا خرج ترتیب کلی تحویل فوق العاده بتجار داخله خواهد شد و تجارت نطفه را از آن ها گرفته ایم و بنده بکلی با این ترتیب مخالفم .

**افتخار الواعظین** - اگر آقایان مسافرت فرموده بودند از پیره بازار برشت و از رشت با نزل میدیدند که این مسئله خیلی واضح است و در اغلب اوقات کرایه تغییر میکند این و دو کرایه است اولاً عرض میکنم که از پیره بازار نیست از دهنه پیره بازار است و يك فرسخ است یعنی يك فرسخ طول رودخانه است با کرجی وبعد يك فرسخ و چیزی خشکی است که با مال می آیند و عرض کردیم از اول که در زمستان و تابستان کرایه فرق میکند در زمستان آب رودخانه شور نیست که یخ نزند یخ میزند و برف هم که آمد کرایه پیره بازار و رشت گران تر میشود اما اینکه فرمودند کرایه را کار گذار تشخیص میدهند اشتباه است کار گذار کرایه را تشخیص نمی دهد کرایه را بندر چپها کدر پیره بازار نوشته اند مال التجاره را متصل از رشت با نزل و از نزل برشت حمل و نقل میکنند کرایه را آن ها میدانند که امروز از دهنه پیره بازار تا خود پیره بازار در طول این يك فرسخ رودخانه در این اوقات صد من چقدر کرایه دارد و از پیره بازار تارشت صد من چقدر کرایه بر میدارد در زمستان و تابستان که کرایه فرق میکند یک چیزی است که واضح و معلوم است که اینها میدانند و این مسئله راهمه روزه بندر چپها میدانند علاوه بدست کار گذار تنها نیست خود تجار داخله با کار گذار نماینده تجارت خانه نوبل می نشینند و کرایه عادل آن روز را از بندر چپها که کرایه همه روزه را میدانند سؤال میکنند و کرایه را معین میکنند و میگویند که آن قدر کرایه باید داده شود و از همان قرار رفتار شود .

مشت زدند از ایشان سؤال میکنم که اگر ماشین که در این يك فرسخ کشیده شد آنوقت باید همین پول را یعنی همین کرایه را که بالافی میدهند ماشین بدهند آیا باید صاحب ماشین بگوئیم که الاغی چقدر

باشد هیچ فرق نمیکند و یکماه کم باشد یکماه زیاد هیچ تغییری در کرایه پیدا نشود بده نباید آن فرمایشی که فرمودند هر شش ماه تنزل میکند ۶ ماه ترقی بسا هست که کمیابی نفت را با کمال سهولت وارد میکنند و ارزان میفرشود ولی از برای تجارت داخلی بهیچوجه صرفه ندارد و منسب است که بعضی از نمایندگان اشاره کردند که این اجازه نیست بلکه اختصاصی است و منحصر بان کمیابی میشود و این را بنده تصویب نمیکند همان عقیده را که دکتر حاج رضاخان دارند بنده هم دارم و عقیده ام این است که این ناقص است این ماده را نمیتوان تصویب کرد باید میزان را سنجید و یک قیمتی برای همین لوله معین کرد که هیچ تغییر نکند که بهمان میزان تجارت کرایه بدهند و فقط خودشان را حمل بکنند نه اینکه آن کرایه حمل و نقل را بسنجند و از روی آن میزان کرایه او را معین بکنند و آنوقت آنرا بیزان خرواری قیمت بکنند و کرایه بدهند.

**دکتر سعیدالاطباء** - بده اینجا چنانکه آقای مخبر فرمودند و بعضی هم گفتند هیچ ممکن نیست که کرایه را یکمتر قبل از وقت یک چیز معین قرار بدهیم و در عرض سال همان کرایه را بگوئیم که بدهند و فقط خودشان را ببرند برشت باید بقیمت معین کرایه بدهد بجهت اینکه در زمستان و تابستان خیلی فرق میکند و البته کرایه تفاوت پیدا میکند و این مسئله هم باید در کار گذاری درست شود و اینکه میفرمایند آنوقت این مسئله انحصار پیدا میکند خیر همچو چیزی نیست بر فرض کمیابی سخت گیری نمود و نباشد که قیمت زیادی بگیرد رما را که از دست آنها ننگرفته اند باز آنها میتوانند فقط همانطور که کرایه میداده اند وارد رشت میکنند و این خیلی سهل است و این مطلب بخوبی میفهماند که از آنها نمیتوانند خیلی گران بگیرند و نمیتوانند از آنها کرایه فوق العاده بگیرند بهمین ترتیبی که عرض کردم راه باز است و الاغیر از این باشد ترتیب راه مختلف میشود همیشه که حمل و نقل سهل نیست و باید همیشه با اطلاع کار گذاری باشد البته شخص کار گذار کرایه را معین نمیکند پس باید آن اشخاصی را که از کرایه اطلاع دارند بخواهند بعد میزان کرایه را معین نمایند که از روی آن میزان کرایه را بدهند و باین واسطه هیچ ممکن نیست که برای تمام سال یک کرایه معینی را کمیابی قرار بدهد و از اشخاصی که فقط میآورند برشت بگیرد.

**رئیس** - آقایانیکه ایرادی دارند خوب است پیشنهاد بکنند حالا مذاکرات در این ماده کافی نیست (گفتند خیر)

**دکتر حاج رضاخان** - بر مخالفت بنده افزوده شد بجهت اینکه این عبارتی که نوشته شده بود یک قدری ابهام داشت که ممکن بود برای تجارت داخله بهتر تعبیر کنند برعکس طوریکه آقای افتخار الواعظین و آقای سعیدالاطباء اظهار داشتند مسلم شد که کمیابی نوبل از میزان مکاری و کرجی کرایه خواهد گرفت و اگر واقعاً دقت بفرمائید کرایه لوله را برای کمیابی نسبت بسرمایه نمیگیرید و نسبت به بیخ و کل میگیرید و لوله که کمیابی خرج کرده است در آنجا انداخته است نمیگوید که حالا زمستان است

و بیخ کرده است و بنده خیلی تعجب میکنم از نشینان اینجور صحبتها .

**متین السلطنه** - گمان میکنم که اولاً این محرز است که باید تجارت کرایه بدهند و برای کرایه هم معین است که باید یک میزانی و مقیاسی درست باشد حالا که این لوله کشیده شد فوراً نمیشود مقیاس بدست آورد گفته اند برای اینکه از برای او یک میزانی بدست بیاید کرایه لوله را بسنجید بقیمت عادلانه مکاری که از پیره بازار برشت میآورد و مقیاس را قیمت عادلانه وقت قرار بدهند نه بیزان آنروزی که قیمت همه آن معین شده باشد برای اینکه شاید حالا یک قیمتی را معین کنند که صرفه حال تجارت نباشد این مفاد و معنی این ماده است حالا آقایانیکه مایل هستند طور دیگر بشود بگویند چه شکل میخواهند پیشنهاد کنند .

**محمد هاشم میرزا** - عرض میکنم با این اختلاف موضوعی که پیدا شده است بین مدافعین و مخالفین نتیجه نخواهیم گرفت آقای دکتر رضاخان که مخالفت کردند عقیدهشان این بود که باید سرمایه را معین کنند که چه اندازه است و چقدر مخارج شده است بعد از آنکه راه تمام شد آنوقت از قرار صدی پنج یا صدی شش هر اندازه که دولت صلاح بداند معین نماید و اگر مخارجش زیادتر شده آن نسبت را هم بسنجند و بآن تناسب یک میزانی قرار بدهد البته وقتی که آنرا هم سنجیدند کرایه معین خواهد شد ولی این ترتیبی که مقیاس را مال قرار بدهند راجع بکرایه قاطر و شتر است هیچ مناسب ندارد با کمیابی و کسانیکه فقط را وارد میکنند بجهت اینکه کمیابی فقط را وارد میکند با اسباب خودش و تجارت داخله که آن اسباب را نخواهند داشت و بکرایه مال هم اگر نباشد وارد کنند آنوقت هم فایده نخواهد داشت اگر نباشد که مساوی باشد کرایه این لوله با سایر آلات نفاه پس آن مذاکرات لازم نیست و هیچ مقایسه کرایه لوله را با آن نخواهد کرد که آقای مخبر مقایسه میفرمایند که همیشه قاطر هست مال هست اگر مال هست چرا کمیابی پس لوله میکشد و بکار گذاری محول میکند که کرایه عادلانه او را معین کند پس باید یک میزانی برای این فرض کرد و بعداً قرارداد غیر از این هیچ نتیجه ندارد و جهت ندارد آنقدر معطل شویم بنویسند کرایه با اجازه او است .

**رئیس** - مذاکرات در این باب کافی است (گفتند کافی است) دو فقره پیشنهاد شده است خوانده میشود رأی میگیریم (پیشنهادی از طرف آقای منتصر السلطان بعبارت ذیل قرائت شد) این بنده پیشنهاد میکنم کرایه نفت از قرار صدی چهار از کل قیمت لوله کشی ها نسبت بکل حمل نفت کرایه گرفته شود.

**منتصر السلطان** - این مسئله معین است که کمیابی نوبل یک مبلغی خرج خواهد کرد ولی چون اینجا مذاکره شد هم برای صرفه تجارت چهار یک از قیمت را از این لوله جریان بدهند باید دانست خرجی که کمیابی میکند فرضاً ۱۲۰۰۰۰ تومان که باشد در سالی ۴۰۰۰۰ خروار بالمثل نفت از این لوله جاری شونده هزار خروارش که قسمت ماست کرایه آن ده هزار است بآن ۱۲۰۰۰۰ تومان که برای

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید قبول دارند یا خیر .

**افتخار الواعظین** - خیر .

**رئیس** - پس رأی میگیریم در قابل توجه بودن اصلاح آقای ادیبالتجار آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (معدودی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد پیشنهادی هم از طرف آقای حاج سید ابراهیم شده است که این ماده ارجاع بکمیسیون بشود که در کمیسیون قرار می در اینخصوص بدهند قرائت میشود و رأی میگیریم (بعبارت ذیل قرائت گردید) بنده پیشنهاد میکنم که این ماده بکمیسیون برگردد که بترتیبی در تعیین و میزان کرایه داده شد مجدداً بمجلس پیشنهاد شود

**وزیر امور خارجه** - بنده گمان میکنم که ارجاع بکمیسیون تعریفی ندارد بجهت اینکه کمیابی نوبل بارضایت تصویب جماعتی از تجار خیر و بصیر در اینکار این قرار را داده است که یک ربع فقط آن ها را برای تجارت داخله حمل بکنند و تجارت داخله کرایه را از قرار مال و کرجی بکمیابی بدهند فقط در این مورد فائده که برای تجارت داخله خواهد بود این است که فقط آن ها از شکست و ریزش و چیزهای دیگر محفوظ بمانند و با این ترتیب مجبور نیستند هم که بالوله ببرند ممکن است بطور معمولی سابق خودشان ببرند حالا اگر غیر از این در کمیسیون قرار می داده شود کمیابی قبول نخواهد کرد در حکم این است که این اجازه داده نشده

**رئیس** - آقای وزیر امور خارجه چه می فرمائید اصلاح آقای منتصر السلطان را قبول دارید یا خیر .

**وزیر امور خارجه** - بنده هیچ ملتفت نمیشوم این مذاکراتی را که میشود اولاً اگر میخواهند که یک ربع از این نفتی که از این لوله جریان پیدا میکند تجارت داخله وارد کنند بالضروره باید کرایه اش را بدهند و کرایه را هم نمیتوانند از سرمایه معین بکنند برای اینکه اگر ما خواسته باشیم در این خصوص با کمیابی مذاکره کنیم و سرمایه را خیلی زیاد می گویند و برای ما ضرر خواهد داشت راه را که از دست تجارت نمیگیرند باز ممکن است و بآن نواقلی که سابقاً داشتند نفت آنرا حمل و نقل بکنند بنده نفهمم موضوع این مذاکرات چیست

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید قبول میکنند این پیشنهاد را یا خیر .

**افتخار الواعظین** - کمیسیون نمیتواند بپذیرد و بنده هم موضوع این پیشنهاد را واقعاً درست مانت نمیشوم (مجدداً پیشنهاد آقای منتصر السلطان خوانده شد)

**رئیس** - رأی میگیریم در این اصلاح آقای منتصر السلطان آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد (پیشنهاد آقای ادیبالتجار بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم مخارج را بالوله کشی و لوازم او را با خرج تجار می محسوب داشته از آن قرار کرایه را از تجارت داخله بگیرند بابت ربع قراردادی که حق تجارت است بانظرات مفتش از دولت

**ادیبالتجار** - چون تمام مقصود باین است که تجارت داخله هم از یک ربع بهره برند هم از تجارتشان محروم نمانند لهذا آن پیشنهاد را بنده تقدیم کردم که این مخارجی را که بجهت لوله کشی اداره نوبل متحمل شده است بامناقص او و بامخارج دیگر متعلق بلوله کشی که بعد معین خواهد شد از همان فراد ملاحظه بکنند و سهم کرایه ربع تجارت را بگیرند یعنی اگر بخواهند تجارت آن ربع حق خودشان را بیاورند و از آن استفاده بکنند راهش این است که مخارجی را که اداره کمیابی نوبل متحمل میشود با تخفیف نظارت مفتش دولتی ملاحظه شود و از همان قرار کرایه از تجارت داخلی گرفته شود که تجارت نوانند از این ربع بهره برند

**رئیس** - آقای وزیر امور خارجه قبول دارید این پیشنهاد را یا خیر .

**وزیر امور خارجه** - خیر

**رئیس** - مخالفی نیست (اظهاری نشد) آقایانیکه تصویب میکنند ماده ۷ را قیام نمایند اغلب قیام نمودند .

**رئیس** - ماده ۷ با کثرت ۳۶ رأی تصویب شد ماده ۸ خوانده میشود (بضمون ذیل قرائت گردید)

ماده ۸ - مستحفظین لوله مزبور به مالکین اراضی است و مستحفظین تماماً اتباع دولت علیه خواهند بود و حقوق مستحفظین از کمیابی نوبل برضایت آنان ادا خواهد شد .

**افتخار الواعظین** - اینجا یک عبارتی

افتاده است (عمله جات و مستحفظین تماماً از اتباع دولت علیه خواهند بود (عمله جات) در لایحه موزیر بوده است و در راپورت از قلم افتاده است .

**ادیبالتجار** - عمله جات که معلوم است مستحفظین لوله را خوب بود توضیح بدهند که مرادشان چیست مستحفظین راه با دولت است والا این طور که اینجا نوشته شده است بنده نفهمم مراد از مستحفظ کیست عمله جات کافی بود توضیح بدهند که مرادشان از مستحفظ چیست دیگر آن که از بابت اعضاء و اجزائیکه برای اداره لازم است اسم برده نشده است فقط عمله جات را اسم برده عمله جات و اعضاء خصوصی خودشان چند نفر خواهند بود این را باید معین کنند و بنده پیشنهاد میکنم که از اهل ایران و از اتباع دولت علیه ایران باشند .

**افتخار الواعظین** - اولاً بنده نفهمیم که فرق بین عمله جات و اعضاء اداره چیست که اینک نوشته شده است که عمله جات تماماً باید اتباع دولت ایران باشند این معلوم میشود که اشخاصی که میخواهند دخالتی در جریان نفت داشته باشند چه در آن بندر بیچاره و چه در رشت و چه در انزلی باید تمام آنها تبعه دولت ایران باشند و آن مستحفظی را که فرمودند باید بدولت واگذار کنند گمان نمیکنم که یک لایحه بکمیسیون میرود در آنجا تحت مذاکره و مذاقه گذارده نمیشود در این باب خیلی مذاکره شده است چون ما نوشته ایم که کمیابی نوبل بهیچ اسم و رسم مطالبه خسارت از دولت و رعایا و مالکین ندارد پس وقتیکه کمیابی حق مطالبه خسارت از دولت و رعایا و ملاکین ندارد پس وقتیکه کمیابی حق مطالبه خسارت از دولت ندارد اگر بگوئیم محافظت آن با دولت است این یک چیز غریبی خواهد شد که محافظت با دولت باشد ولی کمیابی حق مطالبه خسارت از دولت نداشته باشد و همینطور که مذاکره شد که اگر محافظت با رعایا باشد شاید برای رعایا یک اسباب مزاحمت و کلفتی بشود و بنده از برای آقایان توضیحاً عرض میکنم که تمام اراضی که لوله از آنجا میگذرد که دو فرسخ و چیزی است سه نفر از ملاکین رشت متعلق است آقایان دکتر اسمعیل خان و ناصر الاسلام مظلمند که سه نفرند از آقایان ملاکین رشت که راه این لوله را اجازه داده اند و کمیابی نوبل از آن سه نفر اجاره میکنند از این جهت قرار داده ایم که مستحفظین لوله با خود ملاکین باشد و کمیابی آنها حق محافظه بدهد که آنها از طرف خودشان آدم بگذارند و محافظت بکنند و کمیابی با رعایا و یا دولت ارباب مستحفظی و از باب خسارت طرف نباشد و این برای ما بصرفه مقرر تر است از اینکه مستحفظی را بدولت بدهیم .

**ارباب کیخسرو** - بنده اینکه آقای افتخار الواعظین میفرمایند که قرار داده اند مستحفظی با مالکین باشد و بنده نمیدانم که این قرارداد با مالکین هم داده اند و آنها هم راضی شده اند یا فقط یک قرار است که اعضاء کمیسیون میان خودشان داده اند و آنها نباید راضی نباشند البته آنها هم باید استعزاجی نمایند در صورتیکه آنها هم راضی باشند آن وقت این قید را میکنند دیگر آنکه ممکن است این لوله باز در اراضی که متعلق بدولت است

**رئیس** - مخالفی هست در این ماده . . .

**ادیبالتجار** - بنده تسویه اختلاف در کار گذاری را من منکرم یا عدلیه را معین بکنند یا عدلیه را هم ضمیمه بفرمائید والا کار گذاری تنها باید دخالت بنمایند عدلیه هم باید جزوش باشد بجهت اینکه وزارت عدلیه مقام رسمی نظلمات اهالی مملکت هست و آنها هم باید تابع قوانین مملکتی باشند

**افتخار الواعظین** - این وقتی است که کمیابی حق مطالبه خسارت را نداشته باشد و مراد هم اختلافاتی نیست که از طرف کمیابی اظهار بشود مراد اختلافاتی است که از طرف مالکین اظهار میشود و نخواهد داشت .

واقع شود از یک طرف میگویند که کمیابی مطالبه خسارت از دولت و رعایا و مالکین نمیکند از طرف دیگر شرط میکنند که زمین مال هر کس که هست او مستحفظ خواهد بود این را بنده ملتفت نمیشوم آیا لوله که در اراضی دولت واقع میشود مستحفظ او کیست ؟

**مهرز الملک** - اولاً این نکته را که آقای ارباب میفرمایند باید از خود مالکین هم استعزاج بشود گمان میکنم که این یک چیز زیادی است برای اینکه این یک ترتیب معینی است مجلس اجازه میدهد که مالکین حق دارند اراضی خودشان را بآن ترتیب اجاره بدهند اگر راضی نباشند که اجاره نخواهند داد و البته مالکین ملاحظه خواهند کرد اگر راضی شدند یا بیشتر تیسر اراضی خودشان را اجاره میدهند والا اجاره و اما در اینکه چرا مستحفظی را بدهد خود مالکین قرار داده اند مخصوصاً جهتی داشته است که بعهده مالکین واگذار کرده اند بی جهت نبوده است برای اینکه کسیکه اجازه میدهد باید محافظت او را هم قبول بکنند و متحمل خساراتی هم وارد میشود مسلم است و این خسارت بعهده آنکسی است که این ترتیب را قبول میکند و ملک خودش را اجاره میدهد دولت اگر مستحفظی را قبول میکرد ممکن بود اگر یک خسارتی با او میرسد از دولت مطالبه بکنند بجهت اینکه قصور در حفاظت کرده است باین جهت مستحفظی را واگذار بخود مالکین نموده اند و مخصوصاً هم قید شده است که از صاحبان اراضی کمیابی نوبل حق مطالبه خسارت را ندارد و فقط چیزی که بنده میخواستم اینجا اضافه کنم در کمیسیون خارجه هم اضافه شده است اینست که هر گاه اختلافی بین کمیابی نوبل و ملاکین واقع شود حق هیچ نوع اعتراضی نخواهد داشت

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافیت) (مجدداً ماده ۸ قرائت شد)

**رئیس** - رأی میگیریم بماده ۸ بهمین ترتیبی که خوانده شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با کثرت ۳۵ رأی تصویب شد ماده ۹ خوانده میشود (بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۹ - اداره نوبل نمیتواند بهیچ اسم و رسم بعنوان خسارت لوله یا غیر آن از صاحبان اراضی یا اولیاء دولت علیه ایران ادعای خسارتی بنماید و هر گاه اختلافی ما بین کمیابی نوبل و صاحبان با مستحفظین لوله روی بدهد تسویه آن در کار گذاری خواهد شد و کمیابی نوبل حق هیچ نوع تعرض بآنها نخواهد داشت .

**رئیس** - مخالفی هست در این ماده . . .

آنهم بر حسب معاهده نامه باید در کار گذاری حل و فصل شود (پیشنهادی از طرف آقای ادیب التجار بعبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم رفع اختلافات در عدلیه بشود .

**رئیس** - رأی میگیریم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( کسی قیام نکرد )

**رئیس** - قابل توجه نشد. رأی میگیریم بخود ماده ۹ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت ۳۶ رأی تصویب شد ماده ۱۰ خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد )

ماده ۱۰ - این اجاره بهیچوجه شامل انحصار و امتیاز نیست و دولت علیه میتواند بهر کسی بخواهد اجاره تمدید لوله برای نطف بدهد

**حاج وکیل الرعایا** - بنده در اینجا لازم دانستم عرض کنم در آنوقتی که در مسئله کرایه مذاکره بود میزان کرایه نسبتش با بناماده است نه بآن نسبتی که در آنوقت دادند چون ما میزان امروز را ملاحظه می کنیم که شاید بیش از این باشد و نسبت عادلانه که دادیم تشخیص عادلانه از آنچیز است که به آن نسبت داده شود مرکز راه آهن رانست بیشتر نمیدهند که در مملکت ماهست و هر که کرایه را در مملکت ما با مال نمیتوان مقیاس گرفت و در آنوقت نتوانستیم ثانیاً عرض بکنیم آن وقتیکه بنده عرض میکردم فایده عادلانه را نگاهداشتن چه چیز است که حکم عادلانه بدهد مثل او باید بدهد فرضاً که در رشت يك همچو کسی موجود نبود باز يك کسیرا برای او پیدا میکردند و عرض میکنم که همین ماده که در اینجا هست جبران میکند آن نظر آقای دکتر حاج رضاخان را که میفرمودند این نسبت کرایه روزی است خیر این جبران میکند آن نظریرا که دکتر داشت .

**رئیس** - با ماده ۱۰ مخالفید .

**حاج وکیل الرعایا** - خیر با این ماده مخالف نیستم .

**رئیس** - مخالف نیستند پس لازم نیست رأی میگیریم بماده (۱۰) آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت (۴۱) رأی تصویب شد ماده دویم که رأی داده نشد یعنی رد شده بود تغییر داده اند قرائت میشود (مجدداً ماده (۲) با اصلاح کمیسیون بعبارت ذیل قرائت شد )

ماده ۲ - برادران نوبل برای کشیدن لوله از صاحبان املاک اراضی لازمه را بعرض يك زرع و نیز محل ابنیه چوبی و انباری را که برای اینکار لازم است باطلاع و تصویب اولیاء دولت علیه و رضایت صاحبان اراضی با سند کتبی و امضاء طرفین و مهر کار گذاری برای مدتیکه که زیاده از ( ۱۵ ) سال نباشد اجاره خواهند کرد .

**رئیس** - آقای مخبر تغییرات را توضیح بدهید **افتخار الواعظین** - تغییراتیکه داده شده است دو مسئله است یکی اینکه در عرض راه ساخته میشود مراد از این ابنیه ابنیه چوبی خواهد بود که در بین راه ساخته خواهد شد برای مستحفظین و

مسئله دیگری که تغییر داده شده است اینست که چون اجازه را دولت ۱۵ ساله داده است نوشته شده است که دولت اجازه میدهد اراضیرا که برای لوله است مدت اجازه آن ها از ۱۵ سال تجاوز میکند این دو مسئله تغییر داده شده است .

**رئیس** - مخالفی نیست (اظهاری نشد) يك مرتبه دیگر خواند میشود ( مجدداً ماده ( ۲ ) قرائت شد )

**رئیس** - رأی میگیریم در ماده ( ۲ ) با تغییراتیکه داده شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند . (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت ( ۳۵ ) رأی تصویب شد خوب ماده ۶ را چه میکنیم توضیحی اگر دارید بفرمائید .

**افتخار الواعظین** - بنده نمیدانم با تقاضای فوریتی که از طرف وزیر امور خارجه شد و رأی که مجلس شورای ملی داد این را تقاضا میکنیم که برگردد بکمیسیون یا خیر .

**معزز الملک** - بنده تصور میکنم که مجبوراً اینماده باید برگردد بکمیسیون برای اینکه تقاضای فوریت که شد برای این بود که يك شور بشود نه اینکه امشب تمام شود و این ماده باید برود بکمیسیون برای اینکه در واقع اگر تکلیف اینماده معلوم نشود يك خسارتیست که بر تجار خودمان وارد میشود پس نمیتوانیم که يك چنین مسئله را باین زودی بگذرانیم و تصور میکنم که هیئت دولت بهمان ترتیبی که با اساس اینلایحه مجلس رأی داده است حرفی نداشته باشند و باینکه در سایر مواد مجلس رأی داده است قناعت میکند و مخالفی نخواهند داشت باینکه اینماده برود بکمیسیون که يك طوری اصلاحی شود و بنده هم تقاضا میکنم که امشب در کلیات اورای داده نشود .

**رئیس** - پس ارجاع میکنیم بکمیسیون ولی خواهش میکنم کمیسیون قوانین مالیه و بودجه قبل از شب (۲۴) رمضان لااقل يکی دو جلسه منعقد بشود و راپورت اینماده را بدهد برای اینکه این جزو دستور شب دوشنبه (۲۴) خوانده بشود .

کمیسیون بودجه راهم خواهش میکنم که چند دقیقه و هیئت رئیسه حاضر شوند مطالبی هست عریضی دارم خدمتشان عرض کنم بعضی تقاضاهائی هست راجع با استخدام مستخدمین برای وزارت پست و خزانه دار کل که در اینباب رأی بدهند که اینهم جزو دستور شب دوشنبه ۲۴ بشود . (مجلس هفت ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد )

**جلسه ۲۹۵ صورت مشروح شب دوشنبه ۲۳ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۹**

مجلس سه ساعت از شب گذشته بریاست آقای میرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس تشکیل شد صورت مجلس شب دوشنبه (۱۷) را آقای میرزا رضاخان نایب قرائت نمود .

غائبین بدون اجازه آقای آقای میرزا ابراهیمخان آقای لسان الحکماء - آقای دکتر امیرخان - آقای آقا سید محمد رضای مساوات - آقای آقای میرزا احمد

آقای میرزا علی اکبرخان - آقای آقا سید محمد باقر ادیب - آقای حاج امام جمعه - آقای رکن الممالک - آقای زنجانی - آقای لواء لدوله - غائبین با اجازه آقای معتمدالتجار - حاج مصدق الممالک - آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر نموده اند آقای حاج آقا ۴ ساعت آقای میرزا ابراهیم قمی يك ساعت آقایان معین الرهايا افتخار الواعظین ۵۰ دقیقه آقایان طباطبائی - میرزا - یانس ۴۵ دقیقه آقایان میرزا مرتضی قلیخان وحیدالملک - حاج وکیل الرعایا - حاج شیخ اسدالله دکتر حیدر میرزا هر يك نیم ساعت .

**نایب رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی نیست. **حاج آقا** - اگرچه مسئله غیبت راجع باداره مباشرت است ولی همینقدر عرض میکنم اینکه اینجا نوشته شده است بی ربط است .

**نایب رئیس** - رجوع باداره مباشرت بفرمائید دستور امشب بقیه مذاکرات اجازه کمیانی نوبل بود ولی چون هیئت وزراء حاضر نشده اند راپورت کمیسیون بودجه و قوانین مالیه در خصوص تجدید کنترات بلژیکیها که جزء دستور است مطرح مذاکره میشود ( راپورت های مزبور بترتیب ذیل قرائت شد )

- (۱) راپورت کمیسیون بودجه - کمیسیون بودجه در شب (۲۳) رمضان در تحت ریاست حاج میرزا رضا خان منعقد گردید در خصوص نه نفر مستخدم بلژیکی در حضور وزیر مالیه مطرح مذاکره شد پس از مذاکرات لازمه با اکثریت سه ساله از قرار تفصیل ذیل پیشنهاد وزارت مالیه تصویب شد رئیس ایالتی گمرک انزلی - سال اول ( ۱۷۰۰۰ ) فرانک سال دوم ( ۱۸۰۰۰ ) فرانک ( سال سوم ( ۱۹۰۰۰ ) فرانک رئیس ایالتی گمرک بندر بوشهر سال اول ۱۷۰۰۰ فرانک سال دوم ( ۱۸۰۰۰ ) فرانک - سال سوم ( ۱۹۰۰۰ ) فرانک رئیس گمرک جلفا - سال اول ( ۱۵۰۰۰ ) فرانک - سال دوم ( ۱۶۰۰۰ ) فرانک - سال سوم ( ۱۲۰۰۰ ) فرانک - رئیس گمرک آستارا - سال اول ( ۱۴۰۰۰ ) فرانک - سال دوم ( ۱۵۰۰۰ ) فرانک سال سوم ( ۱۶۰۰۰ ) فرانک - رئیس گمرک مرکزی سال اول - ( ۱۴۰۰۰ ) فرانک سال دوم ( ۱۵۰۰۰ ) فرانک رئیس گمرک بندر - فرانک سال سوم ( ۱۶۰۰۰ ) فرانک رئیس گمرک عباس سال اول ( ۱۳۰۰۰ ) فرانک ( سال دوم ( ۱۴۰۰۰ ) فرانک - سال سوم ( ۱۵۰۰۰ ) فرانک رئیس گمرک مشهد سر - سال اول - ( ۱۳۰۰۰ ) فرانک - سال دوم ( ۱۴۰۰۰ ) فرانک - سال سوم ( ۱۶۰۰۰ ) فرانک - مفتش گمرکات آذربایجان - سال اول ( ۹۰۰۰ ) فرانک - سال دوم ( ۹۵۰۰ ) فرانک - سال سوم ( ۱۰۰۰۰ ) فرانک نایب رئیس گمرک ارومی - سال اول ( ۹۰۰۰ ) فرانک - سال دوم ( ۹۵۰۰ ) فرانک - سال سوم ( ۱۰۰۰۰ ) فرانک .

۲ - راپورت کمیسیون قوانین مالیه کمیسیون قوانین مالیه در تاریخ شب (۲۲) رمضان با حضور وزیر مالیه منعقد و لایحه پیشنهاد وزارت مالیه راجع به تجدید کنترات ۹ نفر مستخدمین بلژیکی که اسامی آنها در موقع انقضاصدت کنترات سابقه و میزان حقوق گذشته و آتی آنها در آن شرح داده شده مطرح مذاکره گردید کمیسیون قوانین مالیه